پرستش شیطان؟

از شیطان رانده شده بخدا پناه می برم

به نام خدا بخشنده مهربان

۱) شیطان گرایی

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و (لی) خدا از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خدا گشایشگر داناست. (26)

انتون لاوی (Anton Szandor LaVey) ، کسی بود که نامش با شیطان پرستی و شیطان گرایی امروزی گره خورده است ؛ چرا که او رسما کلیسای شیطان را در آمریکا راه اندازی کرد. نقد ایده های او، شناخت بهتری از دین به انسان می دهد. از آن جهت دید بهتری میدهد، زیرا بیشتر مردم متاسفانه کم یا بیش گوشه ای از تفکرات او را در درون و نهاد خویش دارند، حتی بدون آنکه گفته های انتون لاوی را مطالعه کرده باشند و یا شنیده باشند. زیرا گرایش به شیطان متاسفانه در وجود تمام انسانها نهفته است و شیطان هر لحظه ایده های خود را در ذهن آدمیان به نمایش می گذارد تا آنها را جذب خود کند. آنها اسم شیطان پرستی را انتخاب کرده اند و بعضی ها هم شیطان گرایی و

بعضی ها هم چنین نام گذاریی را قبول ندارند. در این مقاله قصد بر این نیست که با بازی با چند کلمه از راه دور، او را شیطان پرست بنامم و بگویم بله او شیطان پرست است و در نتیجه آدم بدی است! بلکه با مطرح نمودن و نقد ایده های او از طریق قرآن، باید به طور ریشه ای ایده های او را نقد کرد. برای نقد یک ایده باید دقیقا فهمید که آن ایده چه می گوید و نباید از بازگو کردن آن هراسید.

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقولوا قَولًا سَديدًا

اي كساني كه ايمان آورده‌ايد ! تقواي الهي پيشه كنيد و سخن حق بگوييد ...

بلکه قصد بر این است که اعماق افکار او را بازگو و نقد کنم تا که بقیه متوجه شوند که خیلی از تفکرات انتون لاوی (یا لوی) در میان مردم عامه هم وجود دارد. فقط با این فرق که او صراحتا افکارش را میگوید ولی بقیه در لفافه مذهب و قومیت این افکار را اعلام می دارند. برای مثال دهها هزار نفر در جامعه فعلی ما وجود دارند که مثلا میگویند:

- چرا خدا جامعه را به حال خود رها کرده است؟
- چرا خدا به من کمک نمی کند؟
- من نماز به جا نمی آورم چون در من بی تاثیر است و بی فایده است.
- من هر چیزی که متدینین انجام دهند، را انجام نمی دهم زیرا دین را خراب و بدنام کرده اند!
- هر چی دزد و حرام خوره در میان مذهبی هاست و به این دلیل من نمیخواهم نماز بخوانم تا که مثل آنها نشوم!
- روزه را دکترا می گویند که مضر است و به هر حال من هم کمی زخم معده دارم!
- چرا نماز بخوانم و خدا را بخوانم در حالیکه کسانی که نماز نمی خوانند و خدا را به تنهایی نمی خوانند، همه چیز دارند؟
- چرا مردم مسلمان از عقب مانده ترین ملتها هستند؟
- چرا خدا جهان را ول کرده به حال خود؟
- اگر خدا نازل کننده قرآن و یا انجیل است پس چرا قوانین ضد بشری در آنها موجود است؟
- قرآن و یا انجیل نوشته خدا نیست زیرا با حقوق بشر نمیخوانند؟ و ...

اگر کسی کتاب شیطان گرائی (انجیل شیطان) نوشته انتون لاوی را مطالعه کند، متوجه خواهد شد که این سوالات دقیقا و جدی بوسیله او هم مطرح شده است. انتون لاوی بطور کلی ادیان ابراهیمی را مورد نقد و حمله قرار میدهد ولی قسمتی از پیروان او که مادرزاد مسلمان هستند، اختصاصا قرآن را هدف خود قرار داده اند. فقط فرق انتون لاوی و مردم عادی این است که انتون لاوی عقایدش را رسمیت بخشید و به یک مکتب تبدیل کرد. ولی مردم عادی فقط شفاهی و در مجالس و مهمانیها این ایده ها را مطرح می کنند. از یک جهت، انتون لاوی برای عقایدش دلایل ارائه میدهد ولی مردم عادی بعضی مواقع فقط تقلید می کنند و دلیل متقنی ندارند.

این را میدانم که شک و تردید در عقاید دینی برای هر فردی ممکن است پیش آید و به هر حال افراد زیادی، در دوره هایی از زندگی خویش دچار شک و تردید میشوند و نماز و روزه را ترک میکنند، ولی این دوره اگر زیاد طول بکشد، و فرد با این شک و تردید زندگی کند، جالب نخواهد بود و احتمال نجات این فرد روز بروز کمتر خواهد شد. خدای مهربان فرصتهای زیادی به آدمی می دهد تا که شک و تردید را از خود دور کند و به آغوش خدا برگردد.

---

۲) بعضی ها به هر قیمتی می خواهند به خوشبختی برسند

فرقه ای در هند هستند که سگ را می پرستند، دلیلشان هم این است که میگویند سگ نگهبان دروازه های بهشت است و ما به او احترام میگذاریم تا بعدا موقع ورود به بهشت مشکل پیدا نکنیم! باید توجه شود که حتی مسخره ترین بتی پرستی ها هم بخاطر رسیدن بخدا و بخاطر رسیدن به بهشت است. بشریت برای رسیدن به بهشتی که گمش کرد و از دستش داد، به هر دری میکوبد. حتی گاهی به قیمت رد کردن بهشت و جهنم و خدا! آدمها فراموشکارند و اصل را فراموش می کنند. کسی که دنبال خدا می گردد، به خاطر رسیدن به خدا حتی حاضر است سگ و موش و گاو پرستش کند! این تمام ماجرای بت پرستی هاست.

بهترین دروازه بان جهان که مکزیکی بود، در جام جهانی برای محافظت از خود همیشه یک تکه اسخوان با خودش داشت. فکر میکرد ازش محافظت میکند و باعث موفقیت او میشود!

مسلمانان برخلاف اسمشان آنچنان تسلیم خدا نیستند. آنها تا خرخره در تعصبات و خرافات مذهبی و فرهنگی فرورفته اند. اگر یکبار عطسه کنند، کارشان را متوقف می کنند و اگر دوبار عطسه کنند، مشکلی نیست!

تمام خوشی ها و لذتها را خدا خلق کرده است. ولی مردم برای رسیدن به این لذتهای خدا دادی، حتی حاضرند خدا را منکر شوند. این یعنی عین ناسپاسی و کفر.

انتون لاوی می گوید: "هر آنچه که دلت میخواهد و تمایل دارد انجام بدهید" ، "آزادی کامل و بی قید و بند در امور جنسی "

---

۳) جادوی سیاه

شیطان گرا ها اعتقاد دارند که انجام هر کار حرامی که خدا در کتب آسمانی نهی کرده است، به آنها نیرو میدهد و این عمل را نوعی از جادوی سیاه (black magic) مینامند (هر چند که تعاریف دیگری برای جادوی سیاه انجام داده اند ولی به علت اهمیت این نوع، فعلا این مورد را بررسی می کنم). بنابراین آنها تمام تلاششان این است که هر آنچه که خدا نهی کرده را انجام دهند و به این طریق نیرو میگیرند. آنها با انجام کارهای حرام ، از طرف شیطان نیرو می گیرند. حتی دشنام دادن به خدا و مسیح و انجیل و قرآن جزو شعائر روزانه شان است. آنها از هر فرصتی جهت انجام جادوی سیاه استفاده میکنند؛ حتی در مجادله های خویش در اجتماع سعی دارند که خدا و کتب آسمانی را زیر سوال ببرند. جادوی سیاه ، یکی از مراسمهای شیطان پرستان است که هدف از انجام آن کسب نیروهای شیطانی است. شیطان گراها بعد از مدتی به جادوی سیاه عادت می کنند و به انجام آن معتاد میشوند و اگر بعد از مدتی انجام ندهند، احساس کمبود و ناراحتی میکنند.

جادوی سیاه فقط مخصوص شیطان گراها نیست، بلکه مردم عادی که به دین پایبند نیستند، هم به نوعی انجام میدهند. اگر چند روزی شو و آهنگ بخصوصی نشنوند و یا نبینند، احساس کمبود

میکنند. اما بعد از انجام گناهی که به آن عادت کرده اند، احساس خالی بودن می کنند و فکر می کنند انرژی گرفته اند. به این میگویند جادوی سیاه. معمولا آدمیان بعد از انجام گناهانی همچون غیبت، تهمت، افترا، دشنام، نفرین، تحقیر و... احساس آرامش میکنند و به خیال خود خالی شده اند؛ البته بعدا ثابت میشود که این نوع لذت، فقط یک مسکن موقتی است مثل مواد مخدر و نیاز واقعی انسانها به آرامش را برطرف نمی کند. خدا طوری ما را آفریده است که فقط با نیاز واقعی ، آرامش پیدا می کنیم و هیچ گناه و جادویی نیاز ما را برطرف نمی کند. هیچ عمل گناهی نیاز انسان نیست ، همانطور که مواد مخدر نیاز یک انسان نیست. گناه آدمی را معتاد می کند. هر لذتی که از گناه و کار نهی شده توسط خدا بدست آید، جادوی سیاه است و شیطان این را به آنها پیشنهاد میدهد تا که مردم انرژی بگیرند و سرحال باشند، غافل از اینکه این گناهان اعتیادآور هستند.

به همین خاطر شیطان لذت کارهای حرام را بیشتر از کارهای حلال به مردم تلقین میکند. گرفتار شدن به جادوی سیاه فقط مربوط به شیطان گراها نیست، بلکه مربوط به همه مردم است؛ بعد از مدتی مردم معتاد آن میشوند و بدن آنان به این انرژی شیطانی عادت میکند. شیطان گراها به نظام عبادی در تورات و انجیل و قرآن حمله میکنند زیرا آنها میگویند چنین عباداتی ضد جادوی سیاه است و طبیعت شهوانی آدمی را سرکوب می کند. مهمترین فایده عبادات و اعمال صالح که خدا دستور داده است، مبارزه با جادوی سیاه است که ما شبانه روز با آن طرفیم و از طرف شیاطین به تک تک انسانها پیشنهاد میشود. لزوم عبادات از همین نکته ناشی میشود واز همینجا مشخص میشود که چرا ما به عبادات و اعمال صالح نیاز داریم. خدا به عبادات ما نیاز ندارد بلکه این ماییم که برای دفاع از خودمان به عبادات و اعمال صالح نیاز داریم. هیچکس به اندازه خدا خیرخواه ما نیست. اگر کسی نتواند بر جادوی سیاه شیاطین غلبه کند، نمی تواند نجات پیدا کند و وارد بهشت نخواهد شد. اگر کسی بتواند جادوی سیاه را رد کند، مورد رحمت و غفران پروردگار قرار خواهد گرفت.

---

۴) هدف از انجام جادوی سیاه

افرادی که جادوی سیاه را بکار میبرند، بجای محبت، تنفر را پیشنهاد می دهند. زیرا میگویند که نگهداری تنفر در وجود خود، باعث بسیاری از بیماریهاست و آدمی باید با اظهار تنفر، خود را خالی کند! و از جادوی سیاه تنفر انرژی کسب کند. آنها اعمال شیطانی مثل تنفر ، تهمت ، ناسزا ، غیبت، زنا ، خیانت و ... را مرتکب می شوند تا که نیروهای حاصل از آن را استفاده کنند.

آنها میگویند هر آنچه که دل تمایل کند، یعنی نیاز انسان است و میتوان انجام داد. میگویند اگر انجام ندهی، انرژی جادوی سیاه را از دست میدهی و ضعیف میشوی. کارهای منطبق با شرع برایشان سبکی میآورد و به آن جادوی معکوس میگویند که باعث وقت تلف کردن و تضعیف است. بطور خلاصه آنها معتقدند که هوسرانی بجای پرهیز و تقوا! میوه ممنوعه شیرینتر از از میوه حلال است! زیاده روی در هر چیزی تا آنجا که نفس کامل سیر شود !

تمام تلاش فرد به فرد شیطان گراها در نهایت این است که جادوگرشوند و خودشان جادو کنند و نیرو و قدرت بدست آورند و بر دیگران مسلط شوند و از سایر مردم بهره برداری کنند. آنها فکر می کنند با انجام کارهای نهی شده از طرف خدا، انرژی و نیرو می گیرند و بر مردم برتری می یابند. مثلا کسی که مشروب الکلی و یا مواد مخدر مصرف می کند، در زمانی که مصرف کرده و سرحال است، اعتماد به نفس عجیبی دارد. این اعتماد به نفس کاذب از همان حس برتری جوئی او نشات می گیرد. اما زمانی که مصرف نکرده و خمار است، حتی حاضر است گدائی کند برای بدست آوردن آن. این است که انرژیهای شیطانی اعتیاد آور هستند. شیطان به این طریق پیروانش را مطیع خویش می کند.

---

۵) خونریزی و خودزنی

خودزنی و خونریزی بالاترین جادوست برای این قشر. طی مراسم خاصی دست خود و یا قسمتی از بدن خویش را تیغ می زنند تا خون بریزد. آنها معتقدند که خونریزی نیروهای شیاطین را به سمت آنها گسیل می دارد و انرژی عجیبی می گیرند.

البته این هدف غایی شیطان است زیرا در آیه ۳۰ سوره بقره خدا اشاره کرده است که هدف شیطان خونریزی است . زیرا شیاطین با خونریزی و خودزنی افراد ، جادوی خاصی روی آنها انجام میدهند و برانسانها مسلط میشوند.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿30﴾
و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین خدايي موقت خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آيا در آن كسی را می گماری كه در آن فساد انگيزد و خونها بريزد و حال آنكه ما با ستايش تو [تو را] تنزيه می كنيم و به تقديست می پردازيم فرمود من چيزی می دانم كه شما نميدانيد (30)

شیطان میگوید که نهایت لذت جسمی و شهوانی را در این دنیا ببرید. زیرا اگر از دنیا رفتی، تمام! بعضی از آنها طی مراسم خاصی گاها انسانها را قربانی هم میکنند و به قول خودشان این را مهمترین طریق کسب انرژی میدانند. البته این مراسم را مخفیانه و شبانه انجام میدهند و آن را در ملا عام انجام نمی دهند.

لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ ۖ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
اگر تو براي كشتن من دست دراز كني، من دست به سوي تو دراز نمي‌كنم تا تو را بكشم. آخر من از خدا (يعني) پروردگار جهانيان مي‌ترسم.

---

۶) شیطان گرایی در میان مردم عادی

متاسفانه بیشتر مردم جامعه ما عباداتی که خدا تعیین کرده مثل نماز و روزه و زکات را انجام نمی دهند. تا اینجایش که با تفکرات شیطان گراها مثل هم هستند. مردم می گویند که نماز بیفایده ست و روی ما هیچ تاثیری ندارد. این حرف به آن معناست که نماز نخواندن موثرتر است! (دقت کنید که

این استدلال همان جادوی سیاه است). آنها میگویند روزه برای بدن مضر است، بقولی روزه نگرفتن موثر است!. بیشتر مردم میدانند که نماز و روزه و زکات و سایر اعمال نیک را خود خدا در قرآن کتاب آسمانی دستور داده است و ربطی به ملاها ندارد. باید متوجه شویم که مخالفت با دستورات خدا همان جادوی سیاه است. یعنی با مخالفت با دستورات خدا در محدوده جادوهای شیطانی قرار می گیری.

ولی جالبی این قضیه این است که ایده های انتون لاوی در خیلی از موارد از دهن کسانی شنیده میشود که اصلا اسم انتون لاوی را هم نشنیده اند و حتی کتابش را هم نخوانده اند!

مثلا دین محدود کننده است. نماز روی من بی تاثیر است. تو این دنیا فقط پول بدرد میخورد! روزه برای بدن مضر است! امر و نهی های خدا رعایتش سخت است! چون متدینین نماز می خوانند، پس من نمی خوانم! و ...

اینها همان جبهه گیری در مقابل دین است با بهانه های مختلف و در نتیجه بالاجبار روی آوردن به جادوی سیاه. خدا در قرآن بطور کلی تمام بشریت را از شیطان پرستی برحذر داشته و تاکید کرده که در دام آن نیفتید. زیرا شیطان پرستی در واقع فقط مربوط به فرقه انتون لاوی نیست، بلکه تک تک افراد بشر، ممکن است تفکرات انتون لاوی را به نحوی داشته باشند. شیطان می خواهد که ما با دستورات خدا مخالفت کنیم و در نتیجه در جادوی اجنه و شیاطین گیر بیفتیم.

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

پدر جان شیطان را مپرست که شیطان خدای رحمان را عصیانگر است

این آیات و آیات فراوان دیگر نشان میدهند که عموم مردم به پرستش شیطان تمایل دارند بدون آنکه خود بدانند و در حین نا امیدی، ناخواسته فرضیه های او را مطرح می کنند. اما بعضی ها صراحتا می پرستند مثل انتون و دوستانش و بعضی ها هم مخفیانه و در نهاد خویش. گروه دوم ممکن است که پرستش شیطان را انکار کنند ولی در واقعیت به انکار نیست، بلکه به عمل است.

وقتی کسی بداند که نماز و روزه و زکات دستور خداست و بداند که خدا مشروب الکلی و ربا و ... را حرام کرده است و از آن سرباز زند با بهانه های مختلف؛ قطعا چنین فردی پشتوانه مهمی مثل شیطان دارد و الا چنین نمی کرد. این فرد خواسته یا ناخواسته رو به جادوی سیاه آورده است و از نیروی شیطانی آن کمک می گیرد و به آن عادت کرده است. البته شاید چنین فردی حتی اسم "جادوی سیاه" را هم نشنیده باشد. زیرا که شیاطین و اجنه تاکتیکهای مشابهی را روی افراد بشر پیاده می کنند و ممکن است دو فرد از دو نژاد مختلف، کاملا دور از هم، به جادوی سیاه روی آورند و هیچکدام هم این عبارت را نشنیده باشند.

۷) مراسمهای شیطان گرایی

مراسم قربانی شیطان گراها جهت نیرو گرفتن است. آنها بطرز عجیبی مراسم نماز عشاء ربانی مسیحیت را برعکس انجام می دهند و در آن به خدا و مسیح توهین میکنند . بااینکار جادوی سیاه را انجام می دهند. بعضی از فرقه های دراویش مسلمان هم چهل شبانه روز از ادرار خود وضو می گیرند و بعضی از آنها قرآن را پاره پاره می کنند تا بعد از چهل روز به قدرت جادوی شیطانی دست یابند.

بعضی از کشیشان و علمای مسلمان جهت رقابت با این جادوی سیاه ، از جادوی سفید استفاده میکنند . یعنی جادو برای دفع جادو. که البته این از نظر خدا باطل است. زیرا کارهای خدا هیچکدام جادو نیست و جادو نامیده نمیشود. با جادو ، هیچ مشکلی حل نمیشود بلکه بر مشکلات افزوده میشود. در قسمتهای بعدی، در مورد مشکلاتی که جادو برای فرد بوجود می آورد و ماهیت آن بحث میشود.

۸) لذت تا حداکثر ممکن

برخی از شیطان گراها ، جهت محافظت از خود در مقابل جادوها، خود را به شیطان نزدیک می کنند تا آسیبی از او به آنها نرسد. آنها به شیطان احترام می گذارند تا که آسیبی به آنها نرساند، به عبارتی آنها خود را در پناه شیطان قرار می دهند. در حالیکه براساس آیات قرآن، شیطان هیچگونه قدرتی بر مردم ندارد مگر اینکه خود مردم بخواهند. خدا اعلام میدارد که که شیطان دشمن شماست، پس شما هم دشمن او باشید. دوستی با شیطان بی معنی است. در مبحث آلفا، به طریقه تسلط شیطان بر مردم اشاره خواهد شد.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿6﴾

در حقیقت شیطان دشمن شماست شما [نیز] او را دشمن گیرید [او] فقط دار و دسته خود را می خواند تا آنها از یاران آتش باشند (6)

شیطان گراها در جامعه خود را افرادی متشخص نشان می دهند (بجز عده ای اندک که روی صورت و بدن خود را خالکوبی و طلا کوبی می کنند). حتی آنها مراسمات قربانی کردن را در ظاهر نفی میکنند ولی در خفا انجام می دهند. زیرا از بزرگترین منبع انرژی شیطانی نمی توان گذشت. در ایده شیطان گرایی : "دیگر بشریت خواهان صبر برای زندگی موعود پس از مرگ نیست تا نداشته هایش را آنجا در یابد، زیرا فهمیده است که "چو رفتی، رفتی !"

این ایده در بسیاری از مردم زمان ما هم رایج است. از هر راهی تا می توانی پول درآور! تا که چی؟ چون در پیش زمینه ذهن خویش بر این عقیده است که روز آخرتی نیست (هر چند که در ظاهر منکر روز آخرت نیست).

اعتقاد رایج مردم زمان ما به استفاده از لذت در حد افراطی آن؛ زیرا در نهاد درونی خود معتقدند که تمام خوشیها دنیایی است و این خوشی ها خصوصا لذات جنسی پتانسیل لازم را برای کارهای

روزانه آماده می کنند و به هر شکلی و هر نحوی انجام آنها لازم و ضروری است. شیطان تمام آن چیزهایی که گناه شناخته می‌شوند را به مردم ارائه می‌دهد، چون که تمام آنها به یک لذت و خوشنودی فیزیکی، روانی یا احساسی منجر می‌شوند. این همان جادوی سیاه است. مخالفت با آنچه که خدا منع کرده است.

---

۹) انتون لاوی در مورد شیطان چه میگوید

در این قسمت ایده های انتون لاوی در مورد زندگی شیطانی ذکر میشود، زیرا قصد ندارم با یک جمله و یا عبارت "شیطان پرست و یا شیطان گرا" ، دور مساله را خط بکشم. بلکه باید دید که او چه می گوید تا بتوان جوابی به ایده های او داد.

انتون لاوی در کتابش با عنوان شیطان انجیل ، در مورد شیطان می گوید (برگرفته از یکی از ترجمه های فارسی انجیل شیطان):

شیطان می‌گوید دست و دلبازی کردن بجای خساست.

شیطان می‌گوید زندگی حیاتی بجای نقشه خیالی و موهومی روحانی.

شیطان می‌گوید دانش معصوم بجای فریب دادن ریاکارانه خود.

شیطان می‌گوید محبت کردن به کسانی که لیاقت آن را دارند بجای عشق ورزیدن به نمک نشناسان.

شیطان می‌گوید انتقام و خونخواهی کردن بجای برگرداندن صورت. (اشاره به تعالیم مسیحیت که می‌گوید هرگاه برادری به تو سیلی زد، آن طرف صورتت را جلو بیاور تا ضربه‌ای به طرف دیگر بزند.)

شیطان می‌گوید مسئولیت پذیری در مقابل مسئولیت پذیران بجای نگران بودن خون آشام‌های غیر مادی

شیطان می‌گوید انسان مانند دیگر حیوانات است، گاهی بهتر ولی اغلب بدتر از آنهایی است که روی چهار پا راه می‌روند.

لاوی چندین گناه شیطانی را نیز نام برده‌است

حماقت، ادعا و تظاهر، نفس گرایی (انتظار بازپس گرفتن از دیگران، آنچه به آنها داده‌اید)، خود را فریب دادن، پیروی از رسوم و عقاید دیگران، روشن بینی ناکافی، فراموش کردن ارتدکسی گذشته (به طور مثال، قبول کردن چیزی قدیمی در بسته بندی جدید، به عنوان نو)، غرور و افتخار بی حاصل (مانند غروری که هدف شخصی را از درون می‌پوساند) و کمبود محسنات

لاوی چندین قانون شیطانی را نیز وضع کرد، که در حالی که نظام نامه‌ای اخلاقی نیست، ولی راهنمایی‌های کلی برای زندگی شیطان پرستی را ارائه کرده‌است

- **هرگز نظراتت را قبل از آنکه از تو بپرسند بازگو نکن.**
- **هرگز مشکلاتت را قبل از آنکه مطمئن شوی دیگران میخواهند آن را بشنوند بازگو نکن.**
- **وقتی مهمان کسی هستی، به او احترام بگذار و در غیر این صورت هرگز آنجا نرو.**
- **اگر مهمانت مزاحم تو است، با او بدون شفقت و با بیرحمی رفتار کن.**
- **هرگز قبل از آنکه علامتی از طرف مقابلت ندیده‌ای به او پیشنهاد نزدیکی جنسی نده.**
- **هرگز چیزی را که متعلق به تو نیست برندار، مگر آنکه داشتن آن برای کس دیگری سخت است و از تو میخواهد آن را بگیری.**
- **اگر از جادو به طور موفقیت آمیزی برای کسب خواسته هایت استفاده کرده‌ای قدرت آن را اعتراف کن. اگر پس از بدست آوردن خواسته‌هایت قدرت جادو را نفی کنی، تمام آن را از دست خواهید داد.**

انتون لذت و دیانت را ضد هم می داند. او با این فرض غلط، شیطان را حق میداند. لاوی مرگ را در نظر نمی گیرد و هر آنچه میگوید مربوط به قبل از مرگ است. او شاید نمی دانست که زندگی این دنیا نسبت به زندگی بعد از مرگ مثل یک ساعت است نسبت به هفتاد سال. انتون لاوی خساست و طمع را صفت خوب انسان میداند، در حالیکه خدا در قرآن می فرماید :

لَنْ تَنالُوا الْبِرَّ حَتَّي تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَ ما تُنْفِقُوا مِنْ شَيْ‏ءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَليمٌ

ترجمه: هرگز به نیکی دست نمی یابید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید، (در راه خدا) انفاق کنید و بدانید هر چه را انفاق کنید، قطعاً خدا به آن آگاه است.

لاوی حتی میگوید که کسی که ناعادلانه به شما بدی کند را میتوانی قربانی کنید!(یعنی کشتن او!)؛ در حالیکه از نظر قرآن نجات جان یک انسان مثل نجات جان کل انسانهاست. در قرآن هر قصاصی، باید با قصاص همسان و همتراز خودش در نظر گرفته شود. در میان مردم عادی گاهی بخاطر مقداری پول ناچیز، جنگ در میگیرد و فرد مرتکب قتل میشود. قاتل کشتن فرد مقتول را حق خود میداند. این همان تفکر شیطانی است. افرادی که صفات شیطانی مثل بخل، طمع، غیبت، دزدی، زنا، ریا ، ربا، افترا ، رشوه و ... انتخاب می کنند، به نوعی اینها را حق مسلم خود می دانند و حتی گاهی برای دفاع از خود به این صفات شیطانی پناه می برند. آنها برای رفع نیازهای خود و نیرو گرفتن به این صفات شیطانی رو می آورند.

گاهی بعضی دولتها ، در مقابل انتقادهای سیاسی بزرگترین قصاصها و حتی قتل را در مورد منتقدین در نظر می گیرند. این جور سیاست همان شیطان گرایی است. استالین بخاطر انتقادها و حرکات کوچک، بسیاری را قربانی کرد. اینها همان ایده های انتون لاوی است. البته استالین قبل از انتون لاوی بوده است. حس و عشق شیطان گرایی در میان مردم از زمان آدم تابحال بوده است.

لاوی می گوید که روح خود را به شیطان بفروش، در عوض قدرت ویژه و جادویی بگیر!

لاوی میگوید که انسان خودش خدای خودش است و مجاز است هر کاری انجام دهد. این دقیقا یعنی هوای نفس خویش را خدای خود قراردادن.

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿23﴾

پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد آیا پند نمی گیرید (23)

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿24﴾

و گفتند غیر از زندگانی دنیای ما [چیز دیگری] نیست می میریم و زنده می شویم و ما را جز طبیعت هلاك نمی کند و[لی] به این [مطلب] هیچ دانشی ندارند [و] جز [طریق] گمان نمی سپرند (24)

باید بدانیم که نیروهای جادویی در مقابل نیروهای خدایی چیزی نیست و بسیار هیچ و ناچیز است و قابل مقایسه نیست با نیروهای خدایی. تنها کسی میتواند به نیروهای ناچیز و ناپاک جادو پناه ببرد که از خدا نا امید و مایوس شده باشد. تنها کافران و ظالمان از خدا نا امید میشوند. کسی که همه درها را پیش خود بسته ببیند و از خدا نا امید شود، در نهایت به تفکرات شیطان گرایی روی می آورد.

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

بگو ای بندگان من که بر خویشتن زیاده روی روا داشته اید از رحمت خدا نومید مشوید در حقیقت خدا همه گناهان را می آمرزد که او خود آمرزنده مهربان است (3)

---

۱۰) شهوترانی بی حد و مرز

ایده های انتون لاوی بر مبنای مادیگرایی صرف، شهوترانی بی حد و مرز ، تنفر و بی رحمی بنا شده است. صفات خدایی در مرامنامه او نیست. رحم، دوست داشتن، بخشش، سخاوت ، عدم اسراف ، عدم افراط و تفریط ، کارهای نیک ، عدم تنبلی ، کمک به فقرا و ... در مرامنامه او وجود ندارد.

زندگی آنها صرفا براساس ماده بنا شده است و بیشتر ضد دین و ضد محدودیتهای دینی هستند. انگار دین برای آنها قفسی ساخته و می خواهند از آن قفس آزاد شوند. غافل از اینکه با این تفکرات بیشتر در قفسند و اینبار از قفس دین (به زعم خود) به قفس شیطان نقل مکان کرده اند. شیطان با ترغیب آدم و حوا به خوردن میوه ممنوعه، آنان را از بهشت بیرون کرد. شیطان گراها با انجام کارهای ممنوعه، در همان دام شیطان افتاده اند. فقط برای کسب نیروی بیشتر. شیطان گراها زندگی پاک را نشانه گرفته اند و آن را نمی خواهند . در حالیکه هدف از کتب آسمانی همین است. کسی که در لجنزار است و فکر می کند لذت زندگی در همین لجنزار است، هیچ تمایلی برای بیرون آمدن از لجنزار نمی کند. لجنزاری که پر از صفات شیطانی مثل خساست، طمع، شهوت ، خیانت و.... است. شیطان مردم را با دعوت به میوه ممنوعه (کارهای حرام و ناپاک)، از بهشت (زندگی پاک) بیرون می کند. مردمی که در این جهان زندگی ناپاکی را انتخاب کنند، مثل این است که جهنم را انتخاب کرده اند. این مردم در نهایت بعد از مرگ هم وارد همان زندگی ناپاک و جهنم خواهند شد. زیرا خود آن را انتخاب کرده اند.

چنین افرادی ، مغز فندقی بار می آیند و پز ار تنفر، اتهام ، دروغ میشوند. موسیقی راک و متال و بلک متال و خیلی از آهنگهای آلفایی دیگر، ذهن افراد را در کنترل شیاطین قرار می دهد و آنان را به صفاتی که انتون لاوی تعیین کرده، می کشاند. بعضی موسیقی های ایرانی هم دست کمی نسبت به متال و بلک متال ندارند.

حتی کمک کردن شیطان گراها به دیگران با هدف تسلط بر او ، نفوذ به او و یا تجاوز و یا بده بستان انجام می پذیرد و احسان و نیکوکاری و قرض الحسنه در قاموس آنان بی معنی است. اما سیستم خدا اینجوری نیست .

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿261﴾

مَثَل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد؛ و خدا برای هر کس که بخواهد (آن را) چند برابر می کند، و خدا گشایشگر داناست . (261)

گاهی آنها تلاش دارند که شما را وارد بازی خود کنند و بهترین روش این است که وارد بازی آنها نشویم.

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿63﴾

و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند (63)

انتون لاوی کتاب انجیل شیطان را نوشت در مقابل انجیل مسیح! انتون لاوی پیامبر شیطان بود برای مردم جهان همانطور که خدا پیامبر میفرستد. شیطان هم ایده های خود را در قالب یک پیامبر فرستاد.

---

۱۱) چرا انتون لاوی چنین عقایدی را برگزید؟

انتون لاوی موسس شیطان گرایی نوین اعتقاد دارد که صفات احساسی انسان مثل طمع، شهوت، نفرت، خیانت نباید سرکوب شوند و برای رشد او لازم هستند. انتون لاوی مصرف مواد مخدر را تشویق نمی کند زیرا معتقد است مواد مخدر کنترل زندگی را از دست فرد می گیرد! اما برخلاف گفته لاوی ، مصرف انواع مواد مخدر میان آنان بشدت رواج دارد. انتون لاوی با دیدن عکس و تصاویر تصادفات ، منکر خدا شد و گفت چرا خدا این همه خونریز است! انتون لاوی میگوید امور معنوی دینی تظاهر و ریاکاری است. میگوید کم عقلی و بی عفتی بهتر از ریاکاری و خود فریبی است. انتون لاوی دین را به ریاکاری و خود فریبی متهم می کند. لاوی در مقابل جنگها و خونریزیها جوابی نداشت، به همین خاطر منکر خدا شد؛ غافل از اینکه جنگها و خونریزیها فتنه شیطان است نه

خدا. او امور معنوی را ریاکاری میدانست، در حالیکه امور معنوی واقعی ریاکاری نیستند و اگر ریاکاری باشند، خودبخود به امر شیطانی بدل میشود. مثلا نماز اگر از ته دل اجرا نشود و برای ریا برپا شود؛ خدا به این دسته از نمازگزاران هشدار میدهد و آنان را اهل جهنم بحساب می آورد. خدا همیشه در قرآن از دین خالص و اخلاص در عبادات و امور نیک دیگر حرف می زند و این اصولی ترین پایه و رکن دین خداست. اما کسانی که عبادات را ریاکارانه انجام می دهند و به دروغ خود را پیرو دین خدا می نامند، ربطی به دین خدا ندارند و حتی از نظر خدا مسلمان هم بحساب نمی آیند و خدا آنها را به جهنم هشدار داده است.

لاوی می گوید: "در شامگاه شنبه، من مردانی را می دیدم که در پی دختران نیمه برهنه که در کارناوال می رقصیدند کشیده می شدند، و در صبح یکشنبه زمانی که من برای یک واعظ مذهبی در سوی دیگر زمین کارناوال، پیانو می نواختم همان مردان را می دیدم که در حالی که با همسر و فرزندان خود در نیمکت های کلیسا نشسته بودند، از خدا طلب آمرزش و دوری از نفوس شهوانی می کردند. و شامگاه شنبه بعد، همان ها دوباره در کارناوال و یا مکانی دیگر بودند. سپس دانستم که کلیسای مسیحیت، باعث رونق ریاکاری است و این که طبیعت شهوانی بشر مقرر نیست که توسط هیچ دینی، تزکیه و یا تنبیه شود."

این ایراد لاوی متوجه پیروان دین است و نه خود دین. دین چه مسیحیت و چه اسلام به شدت با ریاکاری و تظاهر برخورد کرده است، تاجایی که نمازگزاران ریاکار در قرآن به جهنم و ویل مژده داده شده اند. اما لاوی توجه نکرده است که ایراد او متوجه دین نیست و بلکه متوجه پیروان دین است. پیروان دین اتفاقا توسط همان شیطان که لاوی از او دفاع می کند وسوسه میشوند و دین را به ریا و تظاهر آلوده می کنند. لاوی متوجه نیست که خدا همیشه به اخلاص در عبادات و کارها دعوت میکند و بالعکس شیطان به ریا و تظاهر دعوت میکند. باید توجه شود که تمام پیامبران در قرآن خود را مسلمان نامیده اند و دین خود را هم اسلام نامیده اند. برخلاف دید مردم که فکر می کنند اسلام را پیامبر محمد بوجود آورده است ، اسلام دین ابراهیم بوده است و همه پیامبران بعد از او خود را مسلمان نامیده اند. کلمات مسیحیت و یهودیت را خود مردم بوجود آورده اند و این نام گذاری توسط پیامبرانشان انجام نگرفته است.

خدا حتی دستور داده است که در حالت مستی و خماری نماز بجا نیاورید و هشدارهای جدیی به کسانی که نمازها و عبادات را برای ریا و تظاهر انجام می دهند، داده است. زیرا ضرر این نوع کارها باعث گسترش شیطان گرایی بین مردم خواهد شد و مردم رو به جادوی سیاه میارند.

لاوی در جای دیگری میگوید: "من خونین ترین، و وحشیانه ترین بخش طبیعت انسانی را دیدم. مردمی که توسط دیوانگان مورد شلیک قرار گرفته بودند، یا توسط دوستانشان چاقو خورده بودند، کودکانی که توسط رانندگان بزن دررو، کشته شده و به درون آبراه ها پرت شده بودند. از خودم پرسیدم، خدا کجاست؟ و من از این عقیده مقدس نمای مردم که همیشه در برابر جنایات می گفتندخواسته خدا بوده است متنفر شدم."

لاوی نسبت به شیطان خوشبین است و توجه نکرده است که تمام خونریزیها و قتل و جنایتها در طول تاریخ با وسوسه و دسیسه شیاطین انجام پذیرفته است. قابیل با وسوسه شیطان هابیل را کشت. میلیونها کودک توسط فرعون در زمان خویش با وسوسه شیطان توسط کسی که ادعای خدایی می کرد کشته شدند. هیتلر تفکرات نازیستی و شبه شیطان گرایی داشت و میلیونها نفر را در اروپا کشت. هیتلر همیشه می گفت، قلدری و چاقو کشی و آدم کشی خوب است و ترحم و مظلوم نمایی و گریه کردن و صدقه دادن نیز کار بدی است. تمام فرقه های مسلمان که قتل و جنگ و خونریزی را الگوی خویش قرار داده اند مثل داعش و امثالهم؛ همگی تفکر برتری بر دیگر فرقه ها را در سر دارند، همگی خود را دین برتر می دانند، همگی دنبال حاکمیت جهانی و قدرتهای موهوم هستند، همگی خود را خدای مردم میدانند و آزادی در دین را پوچ می پندارند. اینها تفکرات شیطانی است و نقشه های شیطان است. دین خدا هیچوقت خونریزی را پیشنهاد نمی دهد. دین خدا میگوید فقط دفاع آنهم چشم در مقابل چشم. دین خدا می گوید صلح، حتی با دشمن خونی. اما اتفاقا پیروان لاوی میگویند چشم در مقابل چشم بی معنی است ، بلکه اگر کسی به تو ضربه ای زد، تو هزار برابرش را بر او وارد کن. دین خدا هیچوقت اجباری نیست (لا اکراه فی الدین) و خدا برای ترک دین هیچ مجازاتی در نظر نگرفته است و در واقع لذت دین به آزاد بودن و انتخابی بودنش است. اجباری بودن دین بی معناست و مردم را به سمت شیطان گرایی سوق میدهد. اجباری بودن دین مردم را به سمت ریا و تظاهر و خودفریبی سوق می دهد.

انتون لاوی قدرت و عدالت خدا را نادیده می گیرد. خدای مهربان همه چیز را در این جهان به مقدار و اندازه خلق کرده است. این خود انسانها هستند که میزان و مقدار آن را به هم میریزند. شاید تعجب کنید که صدای مورچه حتی از صدای عرعر خر و صدای غرش شیر هم بلندتر است. اما چون خیلی بالاتر از آستانه شنوایی انسان است، شنیده نمیشود و اذیتی برای ما ندارد. در هر خانه ای حداقل ده ها هزار مورچه زندگی می کنند و مدام رفت و آمد می کنند. تصور کنید که صداهای این مورچه ها بوسیله گوش ما قابل شنیدن بود!؛ آیا زندگی ممکن بود؟ اما خدای مهربان همه چیز را به اندازه و مقدار خلق کرده است. اما اگر کسی پیدا شود و یک دستگاهی اختراع کند که این صداها را قابل شنیدن کند و در همه جا نصب کند، آیا میتوان بین این همه مورچه و سر و صدا زندگی کرد؟! قطعا خیر. آیا در این حالت میتوان خطا را پای خدا انداخت و خدا را ظالم معرفی کرد؟ قطعا خیر. آیا میتوان گفت که چرا خدا تو کله این مخترع مزاحم نمیزند!؟

خدا تمام آب اقیانوسها و دریاها را شور آفریده است و مقدار بسیار کمی از آب موجود در زمین را از طریق باران در دریاچه ها و کوهها و رودخانه ها شیرین کرده است. خدا آن را به قسمت و اندازه و برحسب نیاز شیرین می کند. زیرا اگر تمام آب اقیانوسها از همان اول شیرین میشد و بمدت طولانی راکد بودند، آب می گندید و قابل استفاده نبود. خدای قادر توانا هر چیزی را به اندازه آفریده است و در موقع مناسب نازل میکند. او نسبت به هیچ چیزی کوتاهی نکرده است.

انتون لاوی از خدا ایراد می گیرد که خدا هیچ چیزی را تحت کنترل ندارد. اگر عدم توازنی در طبیعت و زندگی هست، انسانها باعث و بانی آن هستند نه خدا. اگر انسانها باعث گرم شدن زمین شوند و باعث بالارفتن آب اقیانوسها و در نتیجه ورود آبهای شور به خشکی ها شوند و در نتیجه خشکیها غیر قابل زرع شوند؛ آیا خدا اینجا مقصر است؟ انتون لاوی مغز نپخته ای دارد که در مشکلات و آسیبها و جنگها ، مقصر را خدا میداند.

هدف از آفرینش، دوست داشتن و عبادت خداست و هرکاری برخلاف این جریان باشد، مایه دردسر و عذاب آدمیست و باعث انواع بیماریهای جسمی و روحی میشود. پاتریک گلاین میگوید که اعتماد دینی منطقی ترین و سازگارترین صحت دماغی و شادمانی است.

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿2﴾

همان کسانی که ایمان آورده اند و دلهایشان به یاد خدا آرام می گیرد آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می یابد (2)

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿6﴾

و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند (6)

---

۱۲) جادوی سفید

آنچه که لاوی دین را به آن متهم میکند، یک دین منحرف شده و یا پیروان منحرف است. انرژیها و لذتها و نیروهای مربوط به جادوی سیاه که حاصل انجام یک گناه است و به عنوان جایزه به گناهکار داده میشود؛ کوچکتر از آن است که بتواند جای لذتهای خدادادی را بگیرد. عرفانهای دیگری در مقابل شیطان گرایی و جهت مقابله با شیطان گرایی پدید آمده اند که به جای جادوی سیاه معتقد به جادوی سفید هستند و به سوی انرژیهای حاصل از آن دعوت میکنند . این گروه باز هم در همان دام جادو افتاده اند و البته به ظاهر از جنبه مثبتش! البته بعضی از این فرقه ها شاید لفظ جادوی سفید را بکار نبرند.

از نظر قرآن جادوی سفید و یا مثبت و سفید ، مجاز نیستند. وقتی خدا هست و از رگ گردن به ما نزدیکتر است، نیازی به جادو نیست و در حضور خدا اصلا جادو موثر نیست و باطل است. خدا شیاطین و اجنه را درست کرده است و آنان ذره ذره وجودشان را وامدار خدایند. نیروهای شیطانی که همان جادوگرانند، در مقابل خدا هیچ کاره اند و کسی که به خدا پناه برد، هیچ جادویی در او کارساز نیست. یعنی بشر آنقدر از خدا نا امید شده است که برای حل مشکلاتش و برای باطل نمودن سحر و جادو باید به همان شیاطین و اجنه پناه ببردا ، در حالی که خدا از رگ گردن به او نزدیکتره و حتی خدا از خود ما به ما نزدیکتره. فقط کافرین و ظالمین از خدا نا امید میشوند. خود اجنه اقرار میکنند که فقط خدا قادر توانا بر هر کاریست. زمانی که سلیمان فوت کرد و مدت زمانی در حال مرگ روی عصای خویش تکیه داده بود، اجنه ای که به امر خدا در اختیار سلیمان بودند و

برای او کار میکردند، متوجه نبودند که سلیمان مرده است (در حالیکه سلیمان جلو چشمان آنها برعصا تکیه داده بود) ولی آنان همچنان سخت کار میکردند. این نشان میدهد که اجنه و شیاطین از غیب و آینده خبر ندارند و حتی واقعیت جلو چشمان خود را هم ندیدند. آنان ضعیفتر از آنی هستند که مردم تصور میکنند. اما اگر با انجام گناهان روحت را به آنها بفروشی، در آن صورت بر شما مسلط خواهند شد. فقط نباید با انجام گناهان وارد بازی شیاطین و اجنه شوید. واقعا باید به حال مردمی خندید که برای باطل نمودن جادویی که شیطان و اجنه پیش آورده اند، به همان اجنه و شیطان روی می آورند! آیا کسی بالاتر از خدا در جهان هست؟! آیا کسی میتواند قدرتی مافوق خدا معرفی کند؟

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿ ۱ ﴾

خدا نسبت به بندگانش مهربان است هر که را بخواهد روزی می دهد و اوست نیرومند غالب (۱)

---

۱۳) نفس اماره

پیروان انتون لاوی تمام زندگی را نفس اماره خویش میدانند و میگویند هر آنچه نفس امر کند، یعنی نیاز اوست! اما انتون لاوی شاید نمی دانست که اگر نفس کنترل نشود، یک دنیا آرزو دارد و اگر هم کنترل بشود؛ زندگی خیلی راحت میشود.

انتون لاوی به مفهومی به عنوان تقوا و پرهیزکاری اعتقاد ندارد و درست جهت مقابلش را تبلیغ میکند.

بعضی از مسلمانان اسما مسلمانند ولی در باطن تفکرات انتون لاوی را پیروی می کنند (بدون اینکه او را بشناسند). یکی از دلایل عقب ماندگی ملل به ظاهر مسلمان همین است. راهی که انتون لاوی معرفی میکند، تکیه بر غرایز حیوانی و نفس اماره ست که بسیاری از قبایل بدوی بر همین منوال زندگی کرده و می کنند. این قبایل بعد از ده هزار سال هنوز هیچ پیشرفتی نکرده اند و ذره ای تفکر در آنان پیشرفت نکرده است.

انتون لاوی یادش رفته که تفکرات جدید خودش را مدیون کتب آسمانی است و اگر کتابهای آسمانی نبودند، او نمی توانست همین ایده های شیطان گرایی را هم مطرح کند. خراب شدن دین در میان مسلمانان توسط گروههای افراطی و خرافی ؛ باعث میشود که حرفهای انتون لاوی در بین جوانان بی تجربه منطقی و زیبا به نظر آید.

---

۱۴) زندگی پاک

بعضی ها فکر میکنند انجام کارهای نیک و پرهیز از کارهای بد، فقط برای آخرت است. در حالیکه انجام کارهای نیک برای بدست آوردن یک زندگی پاک در همین دنیاست و در نهایت به درد آخرت هم میخورد.

آیه قرآن : هر کسی که کار شایسته ای انجام دهد ، (خواه) مرد باشد یا زن ، در حالی که مؤمن است ، او را به حیاتی پاک زنده می داریم ، و مسلماً پاداششان را به (حسب) بهترین اعمالی که انجام می دادند ؛ به آنها می دهیم .

حیات طیبه یا زندگی پاک؛ این کلمه همان چیزی است که انتون لاوی آن را دوست ندارد. شیطان آدمیان را دچار عذاب و بیماری میکند. یکی از اشتباهات انتون لاوی این است که لذت را در مقابل دیانت می گذارد. در حالی که ادیان آسمانی لذتهای حلال را هیچوقت منع نکرده اند. خدا ناباوری، انسان محوری، لذت گرایی ، مادیگرایی از اصول اساسی فرقه های عرفانی کاذب است. در شیطان گرایی، هر انسانی هوای نفسش را خدای خویش قرار می دهد و کاملا براساس امیال نفسانی خویش عمل میکند .

۱۵) بدست آوردن قدرت، هدف غایی عرفانهای شیطانی

انتون لاوی می گوید: " اینجا و حالا روز شکنجه و سختی ماست ! حالا و اینجا روز خوشی ماست ! اینجا و حالا فرصت ماست ! این روز، این ساعت را انتخاب کن که زندگی رهایی بخشی نیست !"

أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿67﴾

آیا انسان به یاد نمی آورد که ما او را قبلا آفریده ایم و حال آنکه چیزی نبوده است (67)

فرقه های شیطانی عموما سعی دارند انسان را از فضای دینی دور کنند. در عوض جلسات خاص خودی و آرام کردن خود بوسیله جادوی سیاه را بکار می برند. البته برای خام کردن مردم از حربه‌های مختلف استفاده می‌کنند. آنها می‌گویند مگر نماز و عبادات آدم را آرام نمی‌کنند؟ جادوی سیاه هم به آدم آرامش می‌دهد! آنها سعی دارند نماز را در حد مدیتیشن و جادو پایین آورند و به این طریق مردم را به سمت قدرتهای حاصل از انجام گناهان دعوت می کنند.

این فرقه ها جهت اقناع پیروان خویش نیاز به جلسات خصوصی و حضوری دارند تا پیروان خویش را شستشوی مغزی دهند. در حالیکه در دین خدا نیازی به شستشوی مغزی نیست. هر مذهبی اگر برای پیروان خویش، جلسات خصوصی توجیهی داشت، یعنی به زور می خواهد نظراتش را بر پیروانش قالب کند، قطعا بدانید این راه و روش خدایی نیست. این فرقه ها همیشه دنبال نیروهای عجیب و غریب، زندگی‌های آسمانی، بشقاب پرنده‌ها ، نیروهای کیهانی و ... هستند. بدست آوردن قدرت و نیرو بوسیله جادوی سیاه مهمترین ایدئولوژی آنهاست.

جادوی سیاه یعنی رد کردن آنچه خدا گفته و خلافش را انجام دادن. آنها لذات و قدرت و نیرو را در این اعمال می جویند. مثلا از اینکه یک حکم از تورات و انجیل و یا قرآن را رد کنند، احساس قدرت می کنند. اگر مشروب و مواد مخدر مصرف کنند، احساس قدرت می کنند. اگر موسیقی و یا فیلم مستهجن گوش کنند یا ببینند، احساس نیروی بیشتر میکنند. تنها هدفشان عدم اطاعت از

خداست، زیرا در عدم اطاعت از خدا نیرو کسب می کنند. زیرا آنها چشم به راه نیرو و قدرت از طرف شیاطین هستند.

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (سوره جن)
ترجمه: و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می بردند و بر سرکشی آنها می افزودند.

در آیه فوق مشاهده می کنید که قدرت گرفتن از جادوی سیاه شیاطین و اجنه، نتیجه اش این است که سرکشی و غرور را بیشتر می کند و از آرامش خبری نیست. خلف وعده از خصوصیات مهم شیطان است و به هیچ عنوان به آدمیان رحم نمی کند و آنان را نابود می کند. جادوی سیاه مهمترین عامل جذب جوانان است به این فرقه ها.

یک گناه انجام بده ، یک live بگیر! اما بهتره بگوییم یک گناه انجام بده، یک کمی بیشتر زنجیرت محکمتر بشه!

بعضی از زنان و مردان جوان جهت باز شدن بخت خویش جادو می کردند و همچنین نسل جدید مراسم هالووین را برای این کار انتخاب کرده اند. اینها به نوعی جادو کردن است.

در زمان جاهلیت، عرب در بیابان پناه به اجنه آن بیابان می‌برد تا هنگام خفتن امنیت داشته باشند، آنگاه به امید اجنه در بیابان می خوابیدند و مال و جانشان به خطر می‌افتاد. این یعنی پناه بردن به شیاطین و اجنه برای کسب امنیت و قدرت و البته این کار آنان عین بی پناهی است. شیطان در همه فرقه ها به انواع و اقسام مختلف ، مستقیم و غیر مستقیم نفوذ کرده است. چرا به خدایی که اجنه و شیاطین را آفریده است پناه نبریم!؛ یعنی خدا از مخلوقات خویش کم قدرت تر است! این نوع جهالت اعراب زمان قدیم در میان نسل جدید به سبک جدیدتر و گسترده تر وجود دارد. یک ضرب المثل غلط در میان مردم جا افتاده که مثلا اگر چیزی بدون محافظ گذاشته شود؛ میگویند "همینجوری به امان خدا رها شده". در حالیکه امان خدا از هر امانی بالاتره. مگر از امان خدا بالاتر هم داریم. تمام امنیتها و پناهگاهها پیش خداست. متاسفانه شیطان حتی در ضرب المثل ها هم دخالت کرده و جملات فراوانی علیه خدای عالمیان وسوسه کرده است.

۱۶) انتون لاوی می گوید :دین توانایی برطرف نمودن نیازهای مردم را ندارد

دین فقط یک راه و روش است برای زندگی پاک و فقط وقتی می تواند نیازهای روحی یک فرد را برآورده کند که آن فرد به دستورات دین خالصانه و بدور از ریا عمل کند. در واقع این خداست که نیازها را برطرف می کند و دین فقط یک راه و روش است. خدا عبادات خالص را بدون جواب نمی گذارد و همین جواب خدا مایه آرامش روحی است.

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿۱۸۶﴾

و هرگاه بندگان من از تو در باره من بپرسند [بگو] من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می کنم پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند (۱۸۶)

کسانی که قدرت ماندن در جامعه را ندارند، رفتارهای خشن و خشم و کینه و انتقام و افترا و تهمت را انتخاب می کنند تا احساس قدرت کنند . آنها با این شرایط ، خشم و کینه و انتقام را برای خود عادی می بینند و حتی حق مسلم خود میدانند. شیطان پرستی یک نوع نیرو کسب کردن است تا رعب و وحشت را در دل دیگر افراد جامعه بیندازند و در نتیجه مردم برای آنها احترام بگذارند. این رفتار متاسفانه در میان خانواده ها هم نفوذ کرده است. بعضی مواقع افراد یک خانواده اصلا حرفهای هم دیگر را نمی فهمند و فقط می خواهند مشکلاتشان را از طریق خشم، کینه، تهمت، غیبت ، افترا و زور و ... حل کنند. این همان جادوست که بین خانواده ها به بهانه حقوق زن و شوهری و فرزندی انجام می پذیرد.

۱۷) آلفا

جهت ادامه بحث شیطان پرستی لازم است که حالتی از ذهن به نام آلفا توضیح داده شود. این مورد مفصلا در مقاله آلفا توضیح داده شده است. توضیح این مطلب بطور خلاصه در اینجا لازم است زیرا شیطان فقط در این حالت بر آدمیان مسلط میشود. توهمات ، داستانهای تخیلی ، اشعار، فیلمهای سینمایی ، سریالهای تلویزیونی و مشروبات الکلی و مواد مخدر و بازیهای کامپیوتری مردم را وارد کانال و فضای دیگری می کند. یک سریال تلویزیونی که هر روزه فرد به تماشای آن می نشیند، می تواند فرد را با خود همراه کند و قلب و احساسات فرد را تحت تاثیر قرار دهد. کسی که یک فیلم را هر روزه نگاه می کند ، به معنای آن است که فرد ازآن فیلم لذت می برد. کسی نمی تواند از یک توهم لذت ببرد، مگر اینکه آن توهم را به خود بقبولاند و باور کند. زمانی که یک فرد در اشعار یک شاعر غرق میشود و ازآن لذت می برد، به معنای آن است که فرد اشعار را قبول دارد و در این حالت فرد وارد فضای دیگری از ذهن میشود که غیر از فضای واقعی است. در اصطلاح علمی به این فضا که حالت دیگری از آگاهی است، **فضای آلفا** می گویند. هر انسانی بسته به فرکانسهای مغزی خود، از نظر روانی حالات مختلفی در او ظاهر می‌شود. در حالت بیداری امواج مغز در حالت بتا قرار می گیرد. اما در حالاتی که فرد در لذات و احساسات دنیوی و توهم مثل خواندن اشعار ، نگاه کردن به فیلم و بازیهای کامپیوتری غرق میشود، در این حالت امواج مغزی فرد در حالت آلفا قرار می گیرد. اما در حالات تفکر وتدبر و حل مسائل منطقی و ریاضی امواج در حالت بتا قرار دارند. پس می توان امواج مغزی را به چهار دسته کلی تقسیم نمود.

بتا: حالت بیداری (فرکانس مغز بین ۱۴ هرتز تا ۳۰ هرتز)

آلفا: حالت احساسات و خلسه و توهم (فرکانس مغز بین ۸ هرتز تا ۱۴ هرتز)

تتا: حالت تله پاتی (فرکانس مغز بین ۴ هرتز تا ۸ هرتز)

دلتا: حالت خواب (فرکانس مغز بین ۰,۵ هرتز تا ۴ هرتز)

در آلفا فرکانس مغز بین ۸ تا ۱۴ قرار می گیرد. و بعبارتی مغز انسان نسبت به حالت معمولی سردتر میشود و قسمت تفکر فعالیتش کم میشود.

۱۸) تسلط شیطان بر انسانها در آلفا صورت می گیرد

با توجه به دو آیه،

سوره شعراء آیه ۲۲۴:

وَالشُّعَراءُ يَتَّبِعُهُمُ الغاوون

[26:224] و اما شاعران، فقط گمراهان از آنها پيروي مي كنند.

سوره حجر آیه ۴۲:

ان عِبادی لَیسَ لَكَ عَلَیهِم سُلطانٌ إِلّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الغاوین

[42: 1] "تو بر بندگان من هيچ قدرتي نداري. قدرت تو محدود به گمراهاني است كه از تو پيروي مي كنند.

می‌توان نتیجه گرفت شعر مهمترین حربه شیطان جهت اغوا نمودن انسانهاست. شعر در عربی فقط به معنای دوبیتی و غزل نیست، بلکه به معنای هر چیزی است که آدمی را به حالت احساسات و توهم ببرد. بنابراین انسانهای در حالت آلفا (الغاوین) مستقیما در تیررس شیاطین هستند. پس براحتی میتوان نتیجه گرفت که شیطان در حالت آلفا افراد را در اختیار خویش می گیرد و دستورات خود را به آنان دیکته می کند. دانستن این نکته جهت مبارزه با حربه های شیطان بسیار مهم است. بسته به شدت فضای آلفا، فرد منطق و استدلال و تدبر خویش را از دست میدهد و از دنیای واقعی دورتر میشود ؛ مثلا کسی که میداند دزدی و غیبت و تهمت بد است، این صفات رذیله در فضای آلفا براحتی قابل توجیه هستند. در فضای آلفا قوانین هوای نفس حاکم است، زیرا محل جولان شیاطین است. در واقع به طور ساده و واضح می‌توان نتیجه گرفت که :

شیطان بر بندگان خدا مسلط نیست ؛ مگر اینکه بوسیله شعر و توهم و احساسات در کانال آلفا قرار گرفته باشند.

شیطان ابتدا قربانیان را وارد آلفا می کند، بعد کنترلشان می کند. یعنی ابتدا وسوسه برای ورود به آلفا، بعد در آلفا کنترل صورت می پذیرد.

وسوسه برای ورود به آلفا

⬇

کنترل کردن فرد در آلفا

---

۱۹) گناه عمل به یک توهم است

با انجام هر کار گناه, فرد بیشتر در آلفا فرو می رود و بیشتر در تیررس اجنه و شیاطین قرار می گیرد. نماز انسان را از حالت آلفا خارج و به دنیای واقعی می آورد و به همین خاطر است خدا می فرماید که نماز انسان را از **فحشا و منکر** دور میکند. فحشا و منکر در حالت آلفا درست بنظر میرسند و فرد منطق خویش را در مورد درست بودن و یا نبودن اعمال فحشا و منکر از دست میدهد و فرد بدون توجه به تمام عواقب گناه، آن را انجام میدهد. اعمالی که در واقعیت فحشا و منکر هستند، برای کسانی که در آلفایند، فحشا و منکر نیست.

دقیقا به همین دلیل است که انتون لاوی عبادات دینی را منع می کند و به اعمال فحشا و منکر دعوت می کند. انتون لاوی نیرویی را به مردم وعده می دهد که در اعمال فحشا و منکر است.

اگر کسی بتواند همیشه در فکر خدا باشد و خدا را ذکر کند و در دنیای واقعی زندگی کند فریب شیطان را نمی‌خورد. خصوصیات کسانی که در آلفایند، در قرآن مشخص شده است. تهمت، کینه، دروغ ، دزدی ، نگاه به نامحرم، فکر گناه، استعمال مشروبات الکلی و مواد مخدر، غیبت و تمام صفات رذیله که خدا در قرآن و سایر کتب آسمانی نهی فرموده است.

شیاطین برای وادار نمودن انسانها به گناه و غرق نمودن آنان در گناه، سعی در بردن آنان به حالت آلفا دارند. زیرا اگر انسان در کانال آلفا قرار گیرد، به راحتی در اختیار شیاطین و اجنه قرار می گیرد و نکته مهم اینجاست که این تنها راه شیاطین جهت کنترل انسانهاست.

---

۲۰) چه چیزهایی انسان را به آلفا می برد؟

غرق شدن در توهمات، باور نمودن توهمات و ترسها، باور نمودن زیتنهای دنیایی، مصرف مسکرات و مخمرات و مواد مخدر و ... انسان را بطور مستقیم بحالت آلفا میبرد و در آن حالت فرد منطق و آموزه های اخلاقی و دینی خویش را بکار نمی برد و دچار انواع گناهان میشود.

اکثر کسانی که قتل و جنایات وحشتناک انجام میدهند، اقرار می کنند که در حین انجام جنایت و گناه، کنترل خویش را در دست نداشته اند و عواقب انجام گناه برایشان اصلا مهم نبوده است و آن را کار درستی می دانسته اند. در واقع منطق و گزاره های کانال آلفا با گزاره های دنیای واقعی متفاوت است. در کانال آلفا سوزاندن گربه! و خوراندن اسید به سگ! ، سوزاندن کبوترا!، زجر کش کردن روباه و سربریدن انسان و سوزاندن انسان ... گناه بحساب نمی آید. در کانال آلفا فقط **هیجان** و **نیرو** و **قدرت کاذب** ناشی از این اعمال پلید مهم است. منطق کانال آلفا با واقعیت فرق زیادی دارد. به همین خاطر کسانی که در آلفا بسر می برند، باید بخود بیایند و بیدار شوند. به همین خاطر است که انسان طوری آفریده شده است که اگر در راه مستقیم خدا قرار نگیرد، براحتی منحرف می شود و هیچ تضمینی در خوشبختی دنیا و آخرت او وجود ندارد.

---

۲۱) شیطان گراها چطوری وارد آلفا میشوند؟

شیطان گراها با انجام اعمال حرام و منع شده توسط خدا، دچار توهم قدرت میشوند. همین توهم آنها را وارد آلفا می کند. در بعضی از مراسمها، آنان از آهنگهای متال و مخصوص برای به خلسه رفتن خویش استفاده میکنند. حرکات دورانی و رقص و مصرف مواد مخدر راههای دیگری است که آنان را به حالت آلفا و توهم می برد. هر چند انتون لاوی مصرف مواد مخدر را مضر می داند زیرا معتقد است که مواد مخدر کنترل زندگی را از فرد می گیرد ولی برخلاف گفته لاوی، پیروانش به وفور استفاده می کنند. در همان حالت آلفا آنان تحت کنترل شیاطین قرار می گیرند و احساس قدرت می کنند. همین احساس قدرت باعث جذب افراد به این نوع طرز تفکر میشود. متاسفانه

کسانی که به خدا و دستورات راستین او اعتقاد ندارند و از خدا نا امید هستند، جذب این نیروها میشوند. لزوم وجود دین خدایی از همینجا اثبات میشود. زیرا حتی افراد بی دین بنا به نیاز فطریی که دارند، جذب نیروهای جادو میشوند و این یعنی همان پایبندی به دین جادو. اما اینبار شارع شیطان است بجای خدا! در حالی که بعضی از آنها اصولا وجود دین را منکر میشوند ، بدون آنکه بدانند خودشان به دین شیطان روی آورده اند.

---

۲۲) دعای انسان در آلفا مستجاب نمیشود

انتون لاوی ایراد می گیرد که چرا خدا دعاهای مردم را جواب نمی دهد. انتون فراموش می کند که هر دم و بازدمی که ما انجام می دهیم، به لطف و کمک خدا انجام می پذیرد. در دنیای واقعی همه اعمال و کارها در دست خداست و خدا در آنجا صدای بندگانش را میشنود و جواب می دهد. اما در دنیای آلفا ، صدای بندگان به خدا نمی رسد. به همین خاطر دعاهایی که در آلفاست، مستجاب نمیشود. بلکه دعاهای در جهان واقعی مستجاب میشود. خدا قطعا و بدون استثنا به دعای" بندگانش" پاسخ می دهد

سوره بقره آیه ۱۸۶:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (1 6)

[6 2:1] و چون بندگان من درباره من از تو بپرسند، من همیشه نزدیکم. هرگاه مرا بخوانند من به دعاي آنان پاسخ مي دهم. مردم بايد به من پاسخ دهند و به من ايمان آورند، تا ارشاد شوند.

شاید بعضی ها بگویند که چرا دعای ما مستجاب نمیشود؟ زیرا دعاهای از ته دل و در دنیای غیر آلفا، مستجاب میشوند. چون اصولا دعاهای در فضای آلفا واقعی نیستند، همانطور که خود آلفا ساختگیست.

گاهی خطراتی در دنیای واقعی متوجه انسانهاست، اما از آنجا که فرد در محیط آلفاست، متوجه نمیشود. مثل اخطارهایی که رسولان به اقوام خود می دادند و مردم آنها را مسخره می کردند. مسخره کردن به این خاطر بود که آنان در آلفا بودند و متوجه خطرات نبودند.

در دنیای واقعی گهگاه مسائلی پیش می آید و یا سختیی روی می دهد در این مواقع باید صبر داشته باشیم و نگذاریم که صبرمان را ازدست بدهیم و نباید به آلفا پناه ببریم. صبر هم مانند شکرگذاری بسیار مهم است.

ان الله مع الصابرين

این آیه بسیار جالب است یعنی تا زمانی که صبر داشته باشی، خدا همراهته ولی اگر صبر را ازدست بدهی به آلفا رفته و راه را گم می کنی و گمراه می شوی و در نتیجه خدا همراهت نیست. کسی که صبر نکند، یعنی میخواهد وارد آلفا شود و مشکلش را ذهنی حل کند. اینها راههای بسیار جالبی هستند که خدا به ما داده که از آلفا دور بشویم. پس تا اینجا راه حلهای خدا در زندگی را مشاهده کنید:

عمل صالح، صبر . شکر

اما انتون لاوی خلاف این اخلاق را توصیه میکند:

عمل غیر صالح، خشم، کینه، ناسپاسی

مثلا در یک مسئله ناگوار اگر فرد صبر نداشته باشه وارد فضای آلفای یاس و ناامیدی و غم می شود یاس و نا امیدی و غم از ناحیه شیطان است. چقدر جالب است که خدای مهربان همه مثال ها را در قرآن زده و ما را راهنمایی کرده است. فقط باید تدبر داشت. کسانی که از خدا نا امید میشوند، در اصل فکر میکنند در میانه مشکلات کنترل کارها از دست خدا خارج شده است. آنها فکر میکنند دیگر خدا رتق و فتق امور را در دست ندارد، به همین خاطر به یک چیز مادی رو میآورند (مثل انتون لاوی که فکر میکرد خدا کنترل کارها را در دست ندارد) . کسی که نا امید شده عملا در مسیری بر خلاف مسیر خدا قدم بر می دارد و همین عمل او که بر اساس نا امیدی است در وجود او تاثیر می گذارد که نتیجه این عمل به خودش بر می گردد.

بیشتر انسانها وقتی مشکلی برایشان پیش میاید، میخواهند از همان اول همه چیز و همه راهها و پیشامدهای مربوط به آن مشکل را پیش بینی و قضاوت کنند. چنین چیزی یعنی عدم صبر و در نتیجه مجبورند وارد آلفا شوند و در آنجا براساس شک و گمان برنامه ریزی و پیش بینی کنند.

شیطان به آدم و حوا وعده داد که اگر از آن میوه بخورند، به آنچه که آرزو دارند میرسند. آن میوه مثل یک مخدر بود که آدم و حوا را وارد آلفا می کرد و در نتیجه تحت کنترل شیطان قرار گرفتند و از بهشت اخراج شدند.

شیطان برای رسیدن به هدف خویش، باید به طریقی انسان را وارد آلفا و یا جذب آلفا بکند. تا که بتواند او را کنترل کند و افسار ذهن را در دست بگیرد.

بیشتر دعاهای مردم قابل قبول نیست زیرا مردم بجای درخواست واقعی و در خواست نیاز خود از خدا، از او واسطه طلب می کنند. مثلا کسی که خانه ندارد، از خدا نمی خواهد خدا به او خانه دهد، بلکه از خدا پول می خواهد تا خودش (!) با آن پول خانه ای بیابد. زیرا در آلفا واسطه ها اهمیت پیدا می کنند و در نتیجه فرد همه چیز را در واسطه ها می بینند. مثلا کسی که زن و یا شوهر میخواهد، از خدا میخواهد که به او پول دهد تا با آن پول یک زن بگیرد. می بینید که آن فرد خواسته اش را از خدا نمیخواهد بلکه او چیز دیگری از خدا می خواهد. ممکن است آن پول را از دست دهد و به نیاز خود نرسد.

خدا هم او را به پول می سپارد. موسی بعد از فرار از دست فرعون سر به بیابان میگذارد و از خدا می خواهد :

رب اني لما انزلت الي من خير فقير

[24: 2] او براي آنها آب كشيد، سپس در زير سايه اي رفت و گفت: "پروردگار من، هر رزقي كه براي من بفرستي، به آن شديدا احتياج دارم."

موسی از خدا آن چیزی را می خواهد که نیازش است. موسی از خدا پول نمی خواهد که بوسیله آن زندگیش را از سر گیرد. در نهایت موسی در یک روز دارای خانه و زن و شغل شد. بیشتر آدمها در آلفا به اشیائی مثل پول و قیافه و مقام و موقعیت و طایفه و ... اهمیت می دهند و به این طریق حتی دعاهایشان هم انحرافی است.

۲۳) آیا لذت ممنوعه بهتر است؟

بعضی افراد ادعا دارند که لذت کارهای ممنوعه از لذتهای حلال بیشتر است. حتی بعضی از آنها به آدمهای پاک طعنه می زنند که از لذات زندگی بی بهره اند! هر فردی که چنین ادعایی داشته باشد، بدون شک هم اکنون در آلفا بسر می برد و البته ممکن است خودش نداند. زیرا فقط افراد داخل فضای آلفا چنین اعتقادی دارند. فقط یک فرد معتاد بر این باور است که لذت مواد مخدر از لذت غذا بیشتر است. فقط یک فرد مشروبی بر این باور است که لذت نوشیدن مشروب الکلی از لذت نوشیدنیهای دیگر بیشتر است. کسی که معتقد است که لذت گناه بیشتر از حلال خداست، در کنترل اجنه ست و خودش خبر ندارد. هوای نفس دقیقا به این معناست. هوای نفس میتواند تحت کنترل شیاطین قرار گیرد و براحتی میتواند هر چیزی را بپسندد. شیطان خودش اقرار می کند که مردم را وادار می کند تا که خلقت و نیازهای خویش را تغییر دهند.

[4:119] من (شيطان) آنان را گمراه خواهم كرد. من آنان را به دام خواهم انداخت. من به آنان فرمان خواهم داد كه (براي حرام كردن بعضي از گوشت ها) گوش چارپايان را علامت نهند و به آنان فرمان خواهم داد كه خلقت خدا را تحريف كنند." هركس به جاي خدا، شيطان را به مولايي قبول كند، زياني آشكار متحمل شده است.

---

۲۴) ادیان آسمانی

تصورات دیگران در مورد اسلام بیشتر تصورات آنان از مسلمانان تندرو است. آنان یک مسلمان تندرو را و یک کتاب حدیث و سنت را نماینده اسلام می دانند. جوانانی که به شیطان پرستی روی می آورند ، تصور آنان از دین واقعی نیست و فقط از روی نزدیکان خویش اینکار را می کنند. اولین جادو را خود ابلیس انجام داد در نافرمانی خدا در سجده به آدم. این اولین جادوی سیاه بود که شیطان از همانجا از بهشت بیرون رانده شد. جادوی سیاه یعنی کسب قدرت از طریق نافرمانی دستورات خدا و در نتیجه به پستی سقوط می کند مثل سقوط از بهشت برین به زمین.

حتی گاهی بی دینها، به چشم حقارت و احمق به دینداران نگاه می کنند. و کارهای فساد انگیز خویش را مصلحانه میدانند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لاَ تُفْسِدُواْ فِي الأَرْضِ قَالُواْ إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿11﴾
و چون به آنان گفته شود در زمین فساد مکنید می گویند ما خود اصلاحگریم (11)

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿12﴾

بهوش باشید که آنان فسادگرانند لیکن نمی فهمند (12)

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿13﴾
و چون به آنان گفته شود همان گونه که مردم ایمان آوردند شما هم ایمان بیاورید می گویند آیا همان گونه که کم خردان ایمان آورده اند ایمان بیاوریم هشدار که آنان همان کم‌خردانند ولی نمی دانند (13)

وقتی آدمی کنترل خودش را در فضای آلفا در اختیار شیطان قرار میدهد، شیطان آنچنان مخفی و پنهان در انسان نفوذ می‌کند که انسان فکر می‌کند این خود اوست که چنین تصمیمی را گرفته است و دشمنی را احساس نمی‌کند و فکر میکند که نیرو گرفته است.

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿14﴾
و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می گویند ایمان آوردیم و چون با شیطانهای خود خلوت کنند می گویند در حقیقت ما با شماییم ما فقط آنان را [ریشخند می کنیم (14)

تعدادی از اخلاقیات قرآنی که قطعا شیطان گراها به آن عمل نمی کنند. آنان نمی فهمند که لذت زندگی به همین اخلاقیات است: صداقت، امانت داری، فروتنی، گذشت، نرم خویی، شکرگذاری،شکیبایی، پایداری، مهرورزی، خوش قلبی که همگی در قرآن ذکر شده اند. در همینجا روشن میشود که خدا چقدر زیباست و صفاتی که توصیه میکند هم چقدر زیبا هستند. خوشا بحال

آنانی که صفات خدایی را سر لوحه زندگی خویش قرار می دهند و از زندگی لذت واقعی می برند. بدن ما طوری آفریده شده است که نیازهای روحی او فقط بوسیله صفات خدایی برطرف میشود و نه بوسیله صفات شیطانی غیبت و زنا و ریا و ربا و افترا و تهمت و ...

همانطور که بدن ما به غذا نیاز دارد ، روح ما هم به غذا نیاز دارد و کسی که روح خود را با صفات خدایی تغذیه کند، از هرگونه صفات شیطانی بی نیاز خواهد بود و وارد بهشت خواهد شد. این وعده خداست، خدا خلف وعده نمی کند.

---

۲۵) ذهنهای کوچک و رشد نکرده

جادوی سیاه باعث می شود که فرد میدان ذهنش کوچک بشود و به چیزهای کوچک محدود بشود . مثلا اگه کسی یک مشکل کوچک برایش پیش بیاد فکر می کند تمام مشکلات دنیا مال اوست. زیرا ذهنش کوچک است و نمیتواند تمام واقعیتهای دنیا را ببیند. شیطان ذهن فرد را در یک میدان کوچک و محدود می گذارد تا قدرت تصمیم گیری را از او بگیرد و فقط بتواند بر اساس اون چیزهای محدود تصمیم بگیرد.

کسانی که خودکشی می کنند اکثرا دنیای درونشان به یک یا دو چیز محدود می شود و قدرت تفکر از آنها گرفته میشود.

برای همین اکثرا دیگران به دلیل خودکشی آنها می خندند و تعجب می کنند. اکثرا کسانی که بنیه اعتقادی کاملی ندارند و آگاهی کمی دارند با شنیدن چند جمله از خدا ناباوران و به دلیل دامنه بسیار کم ذهنشان، باور می کنند. این افراد هیچ وقت نمی توانند در کانال ذهنشان به دنبال حقیقت بگردند و هر چی دیگران بگویند اطاعت می کنند. انگار هیچ اراده ی ندارند. انتون لاوی ذهن بسیار محدودی داشت و تمام مسائل را فقط از جنبه جنسی می دید و کتابش هم ۸۵ درصد مربوط به این مسائله. اکثرا افرادی که مثل اویند به گفته هایش جذب می شوند ، زیرا آنها هم دنبال یه دلیل برای کارهای زشت خود هستند. شیطان گروه خودش را به کارهای خودش دعوت می کند.

انتون لاوی توی کتابش می گوید که هر چی قانون بگوید او هم مطیع است ولی دین نه! ؛ در حالیکه قانون شکنی در این گروه بسیار زیاد است. در کل ذهن بسیار نپخته و خامی داشت.

---

۲۶) انتون لاوی زیبایی و نظافت و حیا و خیانت و بسیاری از کردارهای زشت و زیبا را با هم قاطی کرده بود.

پیروان انتون در آلفای عمیق و منحصر بفرد بسر میبرند، آنها دلایل لاوی را قانع کننده میدانند. فضای آلفا منطق نمیشناسد. انتون لاوی دیانت را مقابل لذات میدانست. او براساس فرضیه غلط، ادیان ابراهیمی را پاسخگوی سوالات خودش ناتوان میدانست. پیروان انتون لاوی میگویند شیطان باعث پیشرفت تمدنه، میگویند اگر شیطان نبود، هنوز زنها روبنده بر سر میکردند با لباسهای کثیف! میگویند شیطان باعث شد که خیلی از قید وبندهای مذهبی و قومی پاره بشود و بشر کمی متمدن بشود. در کل انتون لاوی و پیروانش به شیطان خوشبین اند. به همین خاطر بهشان میگویند شیطان گرا. میگوید وسوسه شیطان باعث شده که مردان و زنان به زیبایی و نظافت خود مقداری برسند و الا مثل اقوام کهن و اولیه زندگی میکردند! کلا خبلی به مسایل جنسی اهمیت میدهد و به همین خاطر برای جوانان جذابه مسلکش!

فرضهای غلط لاوی در مورد دین بسیار زیاد است. این سر در گمی را شیطان برای آنها ایجاد کرده است. مثلا روبنده را جزو دین بحساب می آورد. لباسهای کثیف و ژولیده و فقر را مال دینداران بحساب میآورد. جوری وانمود می کند که دین مخالف نظافت و پاکیزگی است و هزاران فرض غلط دیگر!

بعضی از افراد بدون ذره ای آشنایی با انتون لاوی، بعضی استدلالهای او را تکرار میکنند، میگوید تمدن و پیشرفت جدید بخاطر مسایل جنسی بوده و این مدیون شیطان است. آنها در کل به نیروی خلاف خدا ایمان دارند و آن را کارا و مفید میدانند. انتون خدا را عاجز از حل مشکلات میداند و در نهایت نتیجه میگیرد که خدا مرده ست! حتی در جایی دیگر وجود شیطان را هم منکر میشود و میگوید شیطان سمبل نیروهای مفید است و وجود خارجی ندارد!

نهایتش انتون لاوی نیرو و قدرت پرست است تمام کارهایش و عقایدش برای جذب نیرو، قدرت و حل مشکلات روزمره است. تمام کارهای انتون لاوی برای کسب لذت، قدرت، نیرو و جادوست. مثلا خودش در کتابش میگوید که جادو را یاد بگیرید تا که زنان را عاشق خودتان کنید! او برای هر کاری، جنبه حرامش را بر حلالش پیشنهاد میدهد و ترجیح میدهد؛ زیرا میگوید که با انجام عمل حرام، یک نوع جادو انجام میشود و آدمی لذت بیشتری می برد و نیروی بیشتری کسب می کند.

---

۲۷) انتون لاوی میگوید خدا مرده است!

از آنجا که انتون لاوی هیچوقت خدا را برای حل مشکلاتش نخوانده و احتمالا یاری خدا را در زندگی خویش ندیده است، از خدا نا امید است و خدا را مرده می پندارد . به همین خاطر در عقایدش کلا خدا را خط کشیده و کنار گذاشته و روی اعمال شیطانی تمرکز کرده است. او صراحتا نمی گوید که شیطان را پرستش می کند و اصولا می گوید شیطان وجود خارجی ندارد. شیطان گراها می گویند هر گناه در ادیان آسمانی، برای عرفان ما یک ثواب است

آنها مکتب خود را عرفانی می نامند و می گویند که بشریت هر نیازی دارد، باید برطرف شود و نباید بی جواب گذاشته شود. می گویند کل مشکلات و رنجهای بشر از بی جواب گذاشتن این نیازهاست. آنها میگویند نیروی جنسی در بشر خلق شده است و چون خلق شده است ، پس باید نیازش برطرف شود . از هر طریقی مهم نیست و البته طریقه حرامش را ترجیح می دهند چون میگویند جادوست و نیرو به آدمی می دهد. بعضی شیطان گراها (تعداد بسیار کمی)، قیافه ظاهری خود را تغییر می دهند مثلا خالکوبی و شاخ گذاشتن و یک سری کارهای دیگر. البته این به آن معنا نیست که هر کس این کارها را انجام داد شیطان گراست. ولی در بیشتر موارد افراد شیطان گرا ، مثل بقیه هستند و میان مردم زندگی می کنند و قیافه خود را تغییر نمی دهند. فقط خواه یا ناخواه عقاید خویش در مورد خدا را مطرح می کنند و مثل شیطان گراها فکر می کنند. در واقع طریقه تفکر مهم است که شبیه همند.

چرا خدا جواب مشکلات را نمی دهد؟ چرا نماز خواندن بی تاثیر است؟ چون مذهبی ها نماز می خوانند، من نماز نمی خوانم! خدا هیچ کاری نمی کند! و بسیاری موارد دیگر که ناخودآگاه مطرح میکنند.

---

۲۸) قربانی کردن

در جامعه جاهلیت دختران را عیب وخواری و نقص می پنداشتند؛ در زمان ما هم چنین چیزی تقریبا بین خانواده ها وجود داره! بعضی ها پولهای زیادی خرج می کنند تا که پسردار شوند. کشتن خیلی از دختران و زنان به اسم ناموس پرستی!!! فرقه های رسمی شیطان پرستی مراسم قربانی دارند که در آن باید هر جوری است خون ریخته شود! نسل جدید آنها قربانی کردن کودکان و حیوانات را ممنوع اعلام کرده اند. قربانی کردن انسان مهمترین منبع کسب انرژی است برای آنان. آنها با قربانی کردن یک انسان، نیروی از دست رفته خویش را بازیابی می کنند. آنها معتقدند که ریختن خون و خودزنی مهمترین مراسم است برای شیطان و دیوها و شیاطین در این مراسم ، دروازه های جادو را برای آنها باز می کنند. این مراسم جزو وحشتناکترین مراسمهای شیطان گراهای رسمی است. و اکثرا هم از نوزادان و زنان باکره استفاده می کنند برای قربانی. بعضی فرقه های شیطان گرا قربانی کردن انسان را قبول ندارند و به همین خاطر خودزنی می کنند . مثلا دست و یا یکجای دیگر خود را زخمی می کنند تا خونریزی کند. خونریزی حتی مقدار کمش برای آنها بسیار مهم است. گاهی بعضی افراد معمولی بعد از به بن بست رسیدن در زندگی روزمره دنبال جنگ در جامعه و یا خانواده می گردند تا خونی ریخته شود و یا خونی از خودشان ریخته شود. آنها گاهی به عمد دنبال زده شدن هستند تا آرام گیرند. اینها همان جادوی سیاه است که شیطان بین مردم رایج کرده است.

شیاطین با خونریزی خوشحال میشوند و انرژیهایشان را در اختیار مقلدین قرار می دهند.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿30﴾

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می گماری که در آن فساد انگیزد و خونها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو تو را] تنزیه می کنیم و به تقدیست می پردازیم فرمود من چیزی می دانم که شما نمیدانید (30)

بین افرادی که اهل دین نیستند و تحت تاثیر تفکرات شیطانی قرار دارند؛ گاها بین خانواده ها خودزنی، خودکشی جهت جلب توجه و در نتیجه کسب انرژی انجام میشود. از نظر آنان هر گناه ، برای عرفانشان یک ثواب است. گاهی این جادوهای معمولی در میان افرادی انجام میشود که اصولا خبری از فرقه شیطان گرایی ندارند. اما روشها یکی است و تنها دلیلش این است که این روشها، روشهای استاندارد شیاطین است برای جادو کردن افراد و در اختیار گرفتن آنها.

فرقه های شیطان گرا بعد از مدتی که در منجلاب گناهان فرورفتند، قربانی کردن انسان برایشان خیلی راحت و عادی میشود.

کلیه انسانها اگر به یک گناه عادت کنند و مخصوصا آن را نیروزا و انرژی زا بدانند، بی پروا انجام میدهند! مثلا کسی که مشروب مینوشد، قطعا جهت نیرو گرفتن آن را می نوشد. یا کسی که مواد مخدر مصرف می کند، از مصرف موارد مخدر اعتماد به نفس می گیرد و اگر چند روز مصرف نکند، اعتماد به نفسش را از دست میدهد و مریض میشود. حتی چشم چرانی و خودنمایی یک نوع جادوست که افراد با این کار بعد از مدتی به آن عادت می کنند و مجبورا دوباره انجامش دهند و معتادش می شوند. بعد از چند بار انجام یک گناه ، عادی میشود.

---

۲۹) دو عهد بسیار مهم با خدا

خدای مهربان دو عهد و پیمان از انسان گرفت یکی شهادت به ربوبیت خودش و دیگری پیروی نکردن و عبادت نکردن شیطان

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿60﴾

ای فرزندان آدم مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید زیرا وی دشمن آشکار شماست (60)

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿172﴾

و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستم گفتند چرا گواهی دادیم تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم (172)

یعنی این دو عهد و پیمان هر دو با هم برای زندگی پاک لازمند و نباید هیچکدام کنار زده شود.

---

۳۰) شیطان قابل اعتماد نیست و دروغگوی حیله گری است

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

شیطان شما را از تهیدستی بیم می دهد و شما را به زشتی وامی دارد؛ و (لی) خدا از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می دهد، و خدا گشایشگر داناست. (26)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده اید پای از پی گامهای شیطان منهید و هر کس پای بر جای گامهای شیطان نهد [بداند که] او به زشتکاری و ناپسند وامی دارد و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود هرگز هیچ کس از شما پاك نمی شد ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاك می گرداند و خدا [ست که] شنوای داناست (21)

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد پس آیا شما دست برمی دارید (۱)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید باشد که رستگار شوید (۵)

---

۳۱) انسان گرائی

انتون لاوی میگوید شیطان گرایی دین بدن است بیشتر تا روح. وی می گوید « پس باید هر کس به خود و انتخاب خود احترام گذارد و افق های جدیدی پیرامون زندگی کوتاه خود بگشاید تا بیشترین لذت را ببرد». گفته لاوی که « مقدس ترین روز سال برای یک شیطان پرست، همانا روز تولد اوست. هیچ چیزی برای شیطان پرست از خودش مهم تر نیست»

این گفته ها نشان می دهد که لاوی نفس اماره انسان را در مرکزیت افکار خویش قرار داده است و آن را پرستش میکرد. در شیطان پرستی همه چیز براساس انسان محوری است، آن هم انسان محوریی که مبتنی بر شهوت و جادو است.

شیطان گرایی ، لذات بدنی را مبنا قرار می دهد؛ خوب خوردن، خوب خوابیدن؛ لذتهای جنسی و ... ، در حالیکه لذت اصلی لذات روحانی هستند ؛ اما شیطان گراها جهت رسیدن به لذات بدن، لذات روح را زیر پا می گذارند و حتی حاضرند دزدی، ریا، قتل و ... انجام دهند.

شیطان پرستان معتقدند که صفات اخلاقی که در انسان وجود دارد مثل حرص، طمع، تکبر، خشم و غرور، شهوت و سایر رذائل اخلاقی ، جزء ذات انسان است و به این دلیل که جزء ذات انسان است، نباید آنها را از بین برد بلکه باید آنها را به فعلیت و کمال رساند. آنها بعد از مدتی تهمت، افترا ، غیبت ، عدم شکیبایی، عصبانیت ، خشم ، کینه و ... را در زندگی عادی خویش رواج می دهند.

۳۲) شیطان پرستان به دنبال رضایت شیطان هستند

هیتلر همیشه می گفت، قلدری و چاقو کشی و آدم کشی خوب است و ترحم و مظلوم نمایی و گریه کردن و صدقه دادن نیز کار بدی است.

بیشتر آدمیان که تقوا ندارند، هرکدام جسته گریخته، ایده هایی از شیطان گرایی را در خود دارند؛ هر چند که خود را مسیحی و یا مسلمان چند آتشه معرفی کنند!

مسیحیان می گویند اگر کسی یک سیلی به صورتت زد، آنطرف صورتت را نیز جلو بیاور تا بزنند؛ اما شیطان پرست ها میگویند که اگر کسی به صورتت زد ، شما با بی رحمی تمام و با شدت بیشتر به صورتش بزن.

حتی عده ای از ایزدیان عراق بر این اساس ، شیطان را لعن نمی کنند تا که از شر او در امان باشند! آنها لعن کردن شیطان را نادرست می دانند و حتی بعضی مواقع به او احترام هم می گذارند زیرا میگویند که احترام ما بخاطر نرسیدن آسیب از طرف شیطان است. شیطان در همه فرقه ها به انواع و اقسام مختلف ، مستقیم و غیر مستقیم نفوذ کرده است.

قرآن و تورات و انجیل می گویند زنا بد است، اما شیطان پرستان زنا را محور دین خود قرار داده اند. شیطان پرستی از زمان آدم تابحال بوده و هست و در میان مردم کوچه و بازار هم هست.

۳۳) چرا شیطان فکر می کند که میتواند بر خدا پیروز شود؟

چرا شیطان فکر می کند که واقعا بر خدا پیروز میشود، در حالی که امکان پذیر نیست ! چرا شیطان فکر میکند با منحرف کردن انسانها ، بر خدا پیروز میشود؟ به نظر من شیطان ، با منحرف کردن انسانها میخواهد کینه اش را نسبت به انسان نشان دهد و همچنین به سایر ملائکه و موجودات گوشزد کند که خدا در مورد انسان اشتباه کرد! البته این سفاهت اوست که چنین فکر می کند.

اما خدا جهنم را می آفریند که جملگی در آن خواهند بود هر آنکه با شیطان همراهی کند و همنوا شود.

شیطان نمیتواند شفا دهنده باشد، اما مثل مواد مخدر میتواند تسکین موقتی باشد ولی در اصل مشکل را خرابتر می کند. مثل یک معتاد که با مصرف مواد مخدر چند ساعتی خوش و خرم میشود ولی بعدش وابستگیش بیشتر میشود.

این یک اصل اساسی است که شفا براساس ایمان است ، در حالیکه شیاطین مخالف سرسخت هرگونه ایمانند. پس در کل شفا بوسیله شیطان سراب است.

۳۴) آیا شیطان واقعا میتواند قدرتی به انسان دهد؟

آیا شیاطین واقعا میتوانند قدرتی به انسان دهند؟ جهت جواب این سوال ما قدرت شیطان را در طول تاریخ و در جامعه و خانواده دیده ایم و حس کرده ایم. تفرقه بین زن و مرد، معتاد کردن مردم ، ترویج زنا، ترویج بی حیایی، ترویج ربا و در نتیجه نابود کردن اقتصاد یک جامعه. ترویج خرافات، ایجاد جنگهای فرقه ای و قومی و در نتیجه کشته شدن میلیونها نفر. گسترش ظلم و در نتیجه گسترش فقر و گرسنگی و تلف شدن میلیونها کودک در طول تاریخ. گسترش بیماریهای مختلف و شکستن روابط سالم در اجتماع و هزاران قدرت دیگر. قدرتهای شیاطین فقط در جهت تخریب و نابودی است. قدرتهای شیاطین در جهت عکس قدرتهای خوب است ، به همین خاطر شیطان پرستان همیشه نیروهای شیطانی را در کارهای بد می جویند. آنها آرامش و لذت را در زنا

و چشم چرانی می بینند. آنها آرامش و تفریح را در افترا، تهمت، کینه ، قتل، اذیت و ... می بینند. از نظر آنها تفریحی که همراه غیبت، تمسخر و چشم چرانی نباشد، خسته کننده است.

۳۵) شیطان راه برگشت ندارد

شیطان راه برگشتی به طرف خدا ندارد. این شاید راز مهم دشمنی شیطان با بشریت است. پس ما انسانها باید از همین شانس استفاده کنیم و به سوی خدا برگردیم. دید شما نسبت به خدا ، استراتژی شما را نشان می دهد، پاسخ به این سوال برای هر بشری لازم است؛ خدا قدرت بیشتر و نقش بیشتری در زندگی شما دارد یا شیطان؟ آیا می دانید در نهایت خدا پیروز میشود و شیطان و دوستانش همگی وارد جهنم میشوند؟ بعضیها جهت توجیه مشروبخواری و نماز نخواندن خویش میگویند که خدا مهربان است !

خدا برای خودش در قرآن حدود صد صفت ذکر کرده، اما آنها فقط همین یک صفت را بخدا نسبت میدهند و بقیه را به شیطان ! خدا مهربان است ولی آیا خدا حکیم، خبیر، علیم ، مقتدر، لطیف قاهر، و... نیست!؟ همان خدا که مهربان است دستور داده که نماز بخوانید و مشروب الکلی ننوشید. آنها در لذتها شریک شیطانند و دستورات خدا را زیر پا میگذارند و با شیطان مانوس و همدم میشوند و در نهایتش میگویند خدا مهربان است!

عده ای از مبلغین مسیحی ، تمام تبلیغاتشان روی مهربان بودن خداست و بقیه صفات خدا را در انجیل و تورات تاکید نمیکنند و این مساله باعث شده که دستورات خدا نادیده گرفته شود و فقط تعدادی که آسان است ودر حد حرف است رعایت و تاکید شود. به این طریق دین خدا را در حد یک مکتب و لذت عرفانی پایین می آورند.

۳۶) آیا می دانید در نهایت خدا پیروز میشود؟

آیا می دانید در نهایت خدا پیروز میشود و شیطان و دوستانش همگی وارد جهنم میشوند؟ تمام کسانی که در طول تاریخ در راه خدا فداکاریها کرده اند، از ته قلب خود به این نتیجه رسیده بوده اند که در نهایت خدا پیروز میشود و شیطان و پیروانش وارد جهنم خواهند شد. با در نظر گرفتن این مورد، براحتی می توان فهمید که چرا تعداد زیادی از مردم در طول تاریخ حاضر بوده اند که جانشان و مالشان را در راه خدا صرف کنند.

یعنی تا وقتی که به روز آخرت و روز فرجام معتقد نباشی، نمیتوانی فداکاری کنی . از نظر انتون لاوی فداکاری و گذشت و بخشش و سایر صفات خوب بی معنی است. دلیل آن هم این است که او زندگی را همین جهان میداند و برای آخرت ارزشی قائل نیست و در واقع میگوید که وقتی رفتی، رفتییی!!

۳۷) اشتباه بزرگ شیطان گراها

اشتباه بزرگی که انتون لاوی کرده ، این است که شیطان را دشمن آدمی نمی داند و حتی خیرخواه هم میداند! ؛ هر چند که در نهایت منکر وجود شیطان است و فقط او را سمبل مخالفت با شریعت خدا میداند.

اما خدا در قرآن و کتب دیگر از شیطان به عنوان بزرگترین و جدی ترین دشمن بشریت یاد می کند و همیشه انسان را از او برحذر می دارد، تا جایی که میگوید: شما هم دشمن شیطان باشید.

یک واقعیت مهم و تلخ برای شیطان گراها:

((شیطان وعده میدهد، اما تخلّف میکند.))

در مکتب شیطان زنا و خودنمایی و چشم چرانی آرامش بخش است، اما واقعا اینطوری نیست و آنچه که آنها آرامش می نامند ، فقط یک جادوی موقت است . وعده های شیطان دروغ است این همان موردی است که شیطان گراها در مورد شیطان نمی گویند.

۳۸) در نهایت شیطان به واقعیت اعتراف می کند

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

چون حکایت شیطان که به انسان گفت کافر شو و چون [وی] کافر شد گفت من از تو بیزارم زیرا من از خدا پروردگار جهانیان می ترسم (16)

وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و [یاد کن] هنگامی را که شیطان اعمال آنان را برایشان بیاراست و گفت امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نخواهد شد و من پناه شما هستم پس هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند [شیطان] به عقب برگشت و گفت من از شما بیزارم من چیزی را می بینم که شما نمی بینید من از خدا بیمناکم و خدا سخت کیفر است (4)

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُومُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می گوید در حقیقت خدا به شما وعده داد وعده راست و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابتم نمودید پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریك می دانستید کافرم آری ستمکاران عذابی پردرد خواهند داشت (22)

---

۳۹) بی نیازی از خدا آیا ممکن است؟

آنها از یاد برده اند که تمام جهان را و نور آن را خدا بیافریده است. انسان متمدن امروزی بخاطر پیشرفت تمدن، امکانات زیادی یافته است و امکانات زیاد او را نسبت به جهان آخرت بی توجه کرده است! و بشریت فکر می کند که از خدا بی نیاز شده است! آن میز و صندلیی که انتون لاوی به آن تکیه می داد، را مواد اولیه اش را خدا آفریده بود. غذایش، لباسش و ....

ان الانسان ليطغي ان راه استغني

(به يقين انسان طغيان مي كند، از اينكه خود رابي نياز ببيند)

شیطان گراها در مرحله اولش، انسانهای ناسپاسی هستند زیرا رو به دشمن خالق خویش آوردند. آنها فراموش کرده اند که روز حسابرسی از همین حالا شروع شده است و بزودی در کردار خویش گرفتار میشوند.

پاپ تحت تاثیر استدلالات شیطان گراها، حتی موجودیت جهنم را تا حدی منکر شد. اما در کتب آسمانی خواندن به سوی بهشت همان مقدار در سرنوشت و تصمیم انسان تعیین کننده است که انذار از جهنم و عذابهای آن موثر است. زقوم و آب جوش و انواع غذاهای گندیده ، در آخرت نصیب جهنمی ها خواهد شد. کسانی که خدا را پرستش نمی کنند، بعد از مدتی زندگیشان شبیه جهنم میشود و روحیه شان با جهنم سازگار میشود. به همین خاطر خود به اختیار خویش وارد جهنم خواهند شد.

خوردن و آشامیدن هر چیز ناگواری؛ انجام دادن هر کار ناپسندی، انجام هر کار زشتی، تهمت، دشمنی و ... که گناهکاران به آن عادت می کنند و در جهنم بصورت دیگری ادامه می دهند. این همه وعده و وعید و انذار و دستور خدا برای این است که انسان کم کم بهشت را انتخاب کند و از جهنم دوری کند؛ چه خدای مهربانی که به آرامی و مهربانی در طول هفتاد سال انذار می دهد و راهنمایی میکند. ولی وقتی خود انسان جهنم را انتخاب میکند چکار می شود کرد! شیطان دوست دارد که تمام بشریت را با خود وارد جهنم کند ولی خدا مردم را از آن برحذر می دارد. غذاهای جهنمی به قول قرآن نه سیر می کنند و نه آرامش می دهند.

آزادیهایی که شیطان گراها از آن دم میزنند در نهایت به سمت این صفات جهنمی میل می کنند. دردناک، الیم، نه سیر می کند نه آرامش میدهد. ولی با این حال باید مصرف کنند چون به آن معتاد میشوند. خدا می خواهد ما را از دست شیطان نجات دهد. . این جهان فقط محل فرار است از دست وسوسه های شیاطین.

وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

وجود جهنم قطعی است، حتی خدا تعداد طبقات آن را هفت طبقه در نظر گرفته است. شیطان و پیروانش نمی توانند از دست جهنم رهایی یابند. این وعده خدا بزودی تحقق می یابد.

۴۰) آیا واقعا دین خدا لذتهای دنیوی را منع کرده است؟

انتون لاوی تحریم لذتها را به خدا نسبت می دهد ؛ در حالی که قرآن تحریم لذتها را به شیطان نسبت میدهد! انتون لاوی معنای واقعی دین را نفهمیده است. لطفا خودتان آیات زیر را ترجمه کنید و روی آن تعقل و تفکر کنید.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ۚ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۖ إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

يا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلالاً طَيِّباً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبينٌ

در آیه آخری خدا صراحتا دستور به استفاده از تمام نعمتهای پاک و طیب میدهد و حتی در ادامه میگوید که از شیطان پیروی نکنید. این نشان میدهد که شیطان، کار اصلیش برمی گردد به حرام کردن آنچه که خدا بیافریده است.

اما خدا الطیبات من الرزق (رزقهای پاک و نیکو) را پیشنهاد میدهد. مثلا خدا مواد مخدر و مشروب را سفارش نمی دهد ، زیرا در آن لذتی نیست و عقل آدمی را زایل می کند. مشروب و مواد مخدر حتی یک میلیونم درصد نعمتهای دیگر هم نیستند. خدا بجای زنا، ازدواج را پیشنهاد میدهد. پس اصل و ماهیت خوردن و مسائل جنسی را حرام نکرده ؛ فقط خدا مخالف روشهای کثیف، خیانت، مضر و ... است. وقتی خدا خیانت در ازدواج را منع می کند، لاوی فکر می کند، خدا ازدواج و مسائل جنسی را منع و یا محدود کرده است. به همین خاطر لاوی خیانت در ازدواج را مهمترین لذت میداند. بعضی فیلمهای ماهواره ای هم چنین مفهومی را به مخاطب ارائه می دهند. سازندگان این فیلمها مثل انتون لاوی فکر می کنند و البته نکته مهمتر این است که مخاطبان این فیلمها هم اینجور نمایشات را می طلبند. به همین خاطر خدا بیشتر مردم را از شیطان گرائی برحذر می دارد و خطر شیطان گرائی را در کمین همه مردم جهان میداند.

باید توجه کرد که آنچه که ادیان در کتب غیر آسمانی خویش مثل تلمود و حدیث و سنت برخلاف دستور خدا به کتب خویش اضافه کرده اند و حلال خدا را حرام کرده اند، ربطی به دین خدا ندارد. این جور حرام کردنها از نظر خدا ارزشی ندارند. حرام خدا باید صراحتا در خود قرآن کتاب آسمانی آمده باشد.

يُرِيدُونَ أَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ

آنان پيوسته مي‌خواهند از آتش دوزخ بيرون بيايند، ولي ايشان نمي‌توانند از آن بيرون بيايند، و داراي عذاب دائم و مستمرّند.

۴۱) از نظر قرآن چه کسی شیطان پرست است؟

اولین کسی که به مبارزه با شیطان پرستی پرداخت، ابراهیم بود.

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا

[44: 1] "اي پدر من، شيطان را پرستش نكن. شيطان عليه آن بخشنده ترين شورش كرده است.

چه کسی شیطان را پرستش می کند؟؟ عبادت شیطان یعنی باور کردن نمایشات و سحر و جادوها و لذتهای شیطان. یعنی از شیطان کمک گرفتن و در نتیجه پرستش شیطان. از آنجا که لذتهای فضای آلفا سیر کننده نیستند، بنابراین فرد مدام مجبور است که زیاده روی کند تا به ذره ای لذت برسد. در جهنم هم وضعیت همانطوری است. جهنمی ها هم هیچوقت سیر نخواهند شد، امکانات فضای آلفا براساس نیاز انسانها نیست. بلکه یک محیط ساختگی است. محیط ساختگی، ساخته پرداخته اجنه و مهندسی شده توسط شیاطین. زرق و برق فضای آلفا مثل تار عنکبوت می‌ماند جهت به دام انداختن انسانها.

آیا پدر ابراهیم شیطان را عبادت میکرد که خدا میفرماید: يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا ؟

[44: 1] "اي پدر من، شيطان را پرستش نكن. شيطان عليه آن بخشنده ترين شورش كرده است.

قطعا نه و شاید پدر ابراهیم خودش را از سایر مردم خدایی تر و مذهبی تر معرفی میکرد؛ بلکه "شرک" او را جزو شیطان پرستان قرار داد. شریک قراردادن برای خدا یعنی شیطان پرستی.

وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْراناً مُبِيناً

براساس آیه زیر صراحتا دوستی با شیطان و شرک انسان را شیطان پرست می کند:

فَإِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطانِ الرَّجِيمِ إِنَّما سُلْطانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ.

[16:100] قدرت او محدود به كساني است كه او را به عنوان سرور خود برمي گزينند؛ همان كساني كه او را به عنوان خداي خود انتخاب مي كنند.

أَ فَتَتَّخِذُونَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ أَوْلِياءَ مِنْ دُونِي وَ هُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا.

وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطانَ وَلِيًّا ... أُولئِكَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ ... وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي

هرکسی شیطان را پیروی کند، و جذب زینتهای شیطان شود، او را به عنوان ولی خود برگزیده:

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطانُ أَعْمالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ

پس نتیجه می گیریم که پدر ابراهیم بعلت شرک، شیطان پرست نامیده میشود:

يا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ ما لا يَسْمَعُ وَ لا يُبْصِرُ وَ لا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئاً يا أَبَتِ إِنِّي أَخافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذابٌ مِنَ الرَّحْمنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطانِ وَلِيًّا

[42 : 1] او به پدرش گفت : "اي پدر من، چرا چيزي را پرستش مي كني كه نه مي تواند بشنود و نه ببيند و نه به هيچ طريقي به تو كمك كند ؟

وَ فَرِيقاً حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلالَةُ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّياطِينَ أَوْلِياءَ

شَيْطانٍ مَرِيدٍ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ

چرا خدا به پدر ابراهیم می گوید شیطان پرست؟

دستور عدم پرستش شیطان فقط برای پدر ابراهیم نیست، بلکه برای همه بنی آدم است.

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ ۖ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

این نشان میدهد که پرستش شیطان یعنی بت پرستی. اونی که هوای نفس خود را خدای خود قرار می دهد، صراحتا نمی گوید که هوای نفس را پرستش می کند.

أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا

بر همین منوال اونی که راه و روش شیطان را بر می گزینند، شیطان پرست است بدون اینکه خود بداند، مثل پدر ابراهیم.

---

۴۲) چرا ابراهیم بتها را شکست؟

خدا بت پرستی ها را رد میکند و باید مستقیم خود خدا را پرستش و نیایش کرد. در دین اسلام حتی شکستن بتهای بت پرستان جایز نیست (لا اکراه فی الدین). فقط در یک مورد جایز است. اینکه خودت در ساخت بت دست داشته اید. ابراهیم در ساخت و فروش بتها دست داشت و در دورانی با پدرش آزر همکاری کرد؛ البته ابراهیم هیچوقت مشرک نبود. اما روح جستجوگر و موحد او ، نگذاشت بت تراشی ادامه پیدا کند و زیر همه چیز زد. حتی او زمانی به خورشید و ستاره و ماه روی آورد ولی دوباره به خدا روی آورد. ابراهیم در ایده غلط ثابت نمی ماند و با کوچکترین راهنمایی از طرف خدا واکنش نشان می داد و مدام خود را تغییر میداد و وارد راه مستقیم میشد. او هیچ چیزی را برای خود بت نکرده بود در ذهن خویش. به همین خاطر در نهایت، ساخته های دست خویش را شکست. بتهای ساخت دست خویش را باید خودت بشکنید. محمد و یارانش از میان قومی بت پرست بودند و آن قوم بعد از مسلمان شدن، ساخته های دست خویش که خود خریده بودند را شکستند. شکستن بت وقتی جایز است که خود در آن دست داشته باشید.

لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿۱۱﴾

برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می کنند در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود (۱۱)

گاهی این بت خودساخته هوای نفس است که باید آن را شکست. هوای نفس دیدنی نیست و باید خودت بشکنید. سرکوب کردن بتهای درونی خیلی مهم است که جهت رهایی از شیاطین باید به آن پرداخت.

---

۴۳) عمل صالح بهترین روش مبارزه با شیطان پرستی

اگر فیلم نگاه می کنی و در آن فیلم هنرپیشه فیلم به فقرا کمک می کند و تو خوشت میاید، باید به آن کار نیک عمل کنی تا سیر شوی و در تو تاثیر کند. باید تو هم به فقرا کمک کنی. عمل صالح است

که باعث ترقی روح و ماهیت انسان میشود. ایمان و عمل صالح مثل طناب و گام برداشتن هستند در کوهنوردی. اگر طناب نداشته باشی، زیاد نمیتوانی از کوه بالا بری و ممکن است در نیمه راه بیفتی. اگر هم فقط طناب داشته باشی و برای بالا رفتن از کوه تلاش نکنی ، باز بیفایده است.

اگر طناب خوبی (ایمان و عقیده خالص) نداشته باشی، ممکن است در حین کوهنوردی (عمل) پاره شود و سرنگونت کند. آدم باید براساس توانایی و ایمانش گام برداره و الا آسیب می بیند. یکی از بهترین کارهایی که هر آدمی میتواند انجام دهد به عنوان عمل صالح، آن است که در شغل و کار روزمره خود پاک باشد و آن را به درستی و پاکی انجام دهد و خیانت نکند. شاید این بهترین شروع برای پاک شدن باشد.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿6﴾

[6 : 1] مسلما، کساني که ايمان آورند و زندگي پرهيزکارانه اي را در پيش گيرند، بخشنده ترين ايشان را از باران عشق سيراب خواهد کرد.

بر طبق آیه فوق، ایمان و عمل صالح افراد را با خدا دوست می کند و کسی که با خدا دوست شود، دیگر نیازی به احساسات و توهمات آلفایی نخواهد داشت.

ایمان بدون عمل صالح بی فایده است.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿ 1﴾

[6:1] آيا آنها منتظرند تا فرشتگان نزدشان بيايند، يا پروردگارت، يا برخي از نشان هاي فيزيکي پروردگارت تجلي کند؟ روزي که اين اتفاق رخ دهد، ديگر هيچ نفسي از ايمان آوردن بهره اي نخواهد برد، چنانچه پيش از آن ايمان نياورده و با اعمال پرهيزکارانه، منافع ايمان را کسب نکرده باشد. * بگو: "منتظر باشيد؛ ما هم منتظريم."

ترجمه ای دیگر: **آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند یا پروردگارت بیاید یا پاره ای از نشانه های پروردگارت بیاید [اما] روزی که پاره ای از نشانه های پروردگارت [پدید] آید کسی**

که قبلا ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده ایمان آوردنش سود نمی بخشد بگو منتظر باشید که ما [هم] منتظریم (۱۵۸)

عمل صالح و ایمان باعث ایجاد یک زندگی پاک خواهد شد. این نکته مهم را خدا در قرآن می فرماید:

آیه 7 سوره نحل : مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مَن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً

ترجمه: هر کس ـ از مرد یا زن ـ کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات می بخشیم.

پایان